

جهانی شدن و توسعه اقتصادی در ویتنام

آرمین امینی^۱*
سمیرا سادات شکراللهی^۲



فصلنامه علمی پژوهشی
سیاست جهانی،
دوره سوم، شماره اول،
بهار ۱۳۹۳

چکیده

هدف اصلی این مقاله، پرداختن به فعالیتهای صورت گرفته توسط ویتنام در حوزه جهانی شدن و توسعه اقتصادی است. بنابراین تلاش شده است با روش تبیینی به این پرسش پاسخ داده شود که آیا جهانی شدن تأثیری بر توسعه اقتصادی ویتنام داشته، در این صورت چه عواملی در این روند تأثیرگذار بوده‌اند و چه اقدامات عملی موثری را ویتنام در خصوص جهانی شدن انجام داده است؟ نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، ویتنام با تغییرات سیاسی خود، زمینه ظهور برنامه اصلاحات اقتصادی موسوم به دوی موی را فراهم کرد به طوری که این کشور از راه اصلاحات اقتصادی، خصوصی سازی، همگرایی با کشورهای منطقه و جهان، جذب سرمایه گذاری خارجی، توسعه کشاورزی، تشویق صادرات، به رشد و توسعه قابل توجهی در سال‌های اخیر دست یافته بنابراین موفقیت اقتصادی ویتنام تنها ناشی از یک عامل تعیین کننده نبوده‌است بلکه ترکیبی از عوامل در پیشرفت و توسعه این کشور تأثیرگذار بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: ویتنام، جهانی شدن، توسعه اقتصادی، جنوب شرق آسیا، اصلاحات اقتصادی.

۱- استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

* نویسنده مسؤول، ایمیل: Arminamini8@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۴

فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۳، صص ۲۰۵-۱۶۱

مقدمه

امروزه جهانی شدن و توسعه از فراگیرترین موضوعات جوامع بشری به ویژه در کشورهای در حال توسعه هستند. این مسئله بخشی به دلیل ضرورت پیشرفت و تحول و حساسیت نسبت به باز نماندن از سیر شتابان روندهای جهانی است. جهانی شدن و اجزا آن می توانند نتیجه توسعه را در کشورهای در حال توسعه تحت تاثیر قرار دهند.

در درون جهان در حال توسعه، مناطق مجزا و نیز اقتصادهای منفرد ملی و محلی به گونه ای بسیار متفاوت با اقتصاد جهانی در حال رشد، درگیر شده اند برخی خوب و بسیاری دیگر به شدت ضعیف عمل کرده اند، کشورهای در حال توسعه پیامدهای اقتصادی و توسعه متفاوتی را تجربه کرده اند. از یک سو، گروهی از کشورهای عمدتاً در آسیا، اقتصادهای خود را شدیداً توسعه داده و در نتیجه جمعیت کسانی را که در فقر زندگی می کنند، کاهش داده اند. از سوی دیگر بسیاری از کشورهای در حال توسعه عمدتاً واقع در آفریقا و امریکای لاتین، اقتصادهای آنها پیشرفت کمی دارد. باید در نظر داشت که دهه ۱۹۸۰ برای کشورهای در حال توسعه به عنوان دوره تغییر بسیار اساسی به قوت خود باقی مانده است (هینز، ۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۲۱). در سال های اخیر، کشورهای مختلف منطقه از جمله ویتنام، چین، کره جنوبی، سنگاپور، هنگ کنگ (از سال ۱۹۹۷ بخشی از چین)، مالزی و اندونزی میانگین نرخ های رشد اقتصادی بالاتری را ثبت کردند (بانک جهانی، ۲۰۰۶: ۲۹۳-۲۹۲).

در این میان ویتنام میانگین ۲۸ درصد رشد سالانه صادرات را در دهه ۱۹۹۰ و اوایل ۲۰۰۰ بدست آورد. چنین رشد اقتصادی نیرومند و پایداری توسط اقتصادهای پیشرو منطقه نیز ثبت شد که تاثیرات منطقه ای بسیاری داشت (هینز، ۱۳۹۰: ۱۲۵). اما ویتنام چگونه موفق شد در دهه های اخیر از نظر اقتصادی توسعه پیدا کند. در این راستا پرسش های اصلی مقاله حاضر این است که جهانی شدن چه تاثیری بر توسعه اقتصادی ویتنام داشته است؟ و چه عوامل و راهکارهایی در این تاثیرگذاری دخیل بوده اند و این امر چه تاثیری بر اقتدار حزب کمونیست در این کشور بر جای گذاشته



است؟ در پاسخ می‌توان گفت موفقیت اقتصادی این کشور، تنها ناشی از یک عامل تعیین کننده نبوده است بلکه ترکیبی از عوامل در پیشرفت اقتصادی آن تاثیرگذار بوده‌اند. درگیر بودن ویتنام در جنگ‌های داخلی و بین‌المللی، اقتصاد این کشور را سال‌ها در وضعیت نامطلوبی قرار داد به طوری که تداوم این امر، حزب کمونیست این کشور را هر لحظه با تهدیدی جدی روبرو می‌ساخت؛ اما اگر تحول فرهنگی و سیاسی در جهت حصول توسعه صورت پذیرد راه برای تحول اقتصادی و فن‌آورانه هموار خواهد شد. از این رو می‌توان سرآغاز توسعه ویتنام را از اوایل دهه ۱۹۹۰، یعنی اندکی بعد از تغییرات سیاسی و شروع برنامه اصلاحات اقتصادی موسوم به دوی موی در سال ۱۹۸۶ دانست. از ویژگی‌های استراتژی اقتصادی ویتنام می‌توان به همگرایی و پیوستگی با اقتصاد جهانی همراه با یک مجموعه متنوع از صادرات و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اشاره کرد. از همین دوران کشاورزی در ویتنام رشد یافت و در کنار نقش مستمر شرکت‌های دولتی، رشد بخش خصوصی نیز تقویت شد. با وجود مشکلات، ویتنام به دنبال کشورهای موفق آسیای شرقی، بازار داخلی خود را به آرامی باز کرد اما در کنار آن رشد صادرات را تشویق کرد (Thoburn, 2009:5). بنابراین دستیابی به این پیشرفت‌ها نه تنها قدرت حزب کمونیست را کاهش نداد بلکه به گونه‌ای کارآمد، دولت را در مدیریت و اداره سیاست‌های داخلی یاری کرد. در این مقاله سعی می‌شود تا تغییرات اساسی حاصل از تفکر جهانی شدن در ویتنام بررسی شود.

۱. بررسی پیشینه پژوهش

همان‌طور که از موضوع پژوهش پیداست، ادبیات حول این موضوع در چند زمینه مرتبط با یکدیگر قرار می‌گیرد در زمینه جهانی شدن و مسائل آن و همچنین توسعه و نوسازی ادبیات چشمگیری عرضه شده است به طوری که در هر یک از موضوعات مطروحه می‌توان به آثار متعدد نویسندگان داخلی و خارجی اشاره کرد. از آثار و منابع مربوط به جهانی شدن می‌توان به تالیف جفری هینز با عنوان «مطالعات توسعه» اشاره کرد. کتاب با اتخاذ رهیافتی میان رشته‌ای به بررسی گستره، ماهیت،

دامنه و کلیه‌ی موضوعات عمده و با اهمیتی می‌پردازد که در حال حاضر کشورهای در حال توسعه را تحت تاثیر قرار می‌دهند. فصل‌های کتاب هم موضوعات نظری توسعه و هم مسائل مفهومی آن را در بر می‌گیرد. این کتاب دارای نه فصل می‌باشد که فصل سوم آن اختصاص به موضوع توسعه و جهانی شدن دارد. این مجموعه در سال ۱۳۹۰، با ترجمه رضا شیرزادی و جواد قبادی در نشر آگه به چاپ رسیده است. اثر بعدی، «جهانی شدن، رشد و فقر» نام دارد؛ پژوهشی در طراحی اقتصاد همبسته جهانی است که بانک جهانی با همکاری انتشارات دانشگاه اکسفورد، گردآوری کرده و توسط صابر شیبانی اصل به فارسی برگردانده شده است تاکید کتاب بر آثار یکپارچگی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و به ویژه در زندگی مردم فقیری است که شهروند این کشورها محسوب می‌شوند.

کتاب دیگر «جهانی شدن و مخالفان آن»، اثر دیوید هلد و آنتونی مک گرو، ترجمه عرفان ثابتی است که در سال ۱۳۸۲ به وسیله نشر ققنوس به چاپ رسیده است. کتاب، یکی از اساسی‌ترین بحث‌های زمان ما را بررسی می‌کند؛ موضوع این بحث آن است که نیروها و فرایندهای جهانی، یعنی آنچه جهانی شدن خوانده می‌شود تا چه اندازه به دنیای ما شکل تازه‌ای داده‌اند و کوششی برای بیان موجز مسائلی اساسی در این حیطه و چگونگی توجه به آنها است.

اما از آثار و منابع داخلی که توسط اساتید ایرانی تالیف شده می‌توان به اثر حسین سلیمی تحت عنوان «نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن» که سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها به چاپ رسانده، اشاره کرد. از منظر این اثر طبقه بندی و دسته بندی نظریه‌های مختلف درباره جهانی شدن بسیار دشوار است؛ زیرا ملاک‌ها و شاخص‌های گوناگونی برای این طبقه بندی وجود دارد. کتاب در چهار فصل خود، خوانندگان را با آرا متفاوت متفکران برجسته در حوزه جهانی شدن آشنا می‌سازد. مجموعه «نوسازی، توسعه، جهانی شدن» اثر رضا شیرزادی است که در سال ۱۳۸۶ توسط نشر حق یاوران به چاپ رسیده است. بنیان کتاب بر مفاهیم، مکاتب و نظریه‌های نوسازی، توسعه و جهانی شدن استوار است. هم‌چنین باید از

کتاب «جهانی سازی» تألیف علی رضا رحیمی بروجردی نام برد که انتشارات دانشگاه تهران سال ۱۳۸۹؛ آن را به چاپ رسانده است. این مجموعه در هفت فصل به بحث درباره جهانی سازی و ابعاد آن می پردازد. رحیمی بروجردی در فصل چهارم به بحث درباره کشورهای در حال توسعه در فرایند جهانی شدن می پردازد و با مطالعه موردی روی کشور ویتنام درصدد بررسی این کشور نوظهور است و در نهایت نگاهی به آینده و رشد اقتصادی ویتنام دارد.

اما در خصوص مطالعات داخلی صورت گرفته درباره کشور ویتنام، فقط می توان به کتاب «ویتنام» اشاره کرد که این کتاب در زمره کتاب های سبز آشنایی با کشورها و یکی از کتاب های اولیه در مورد مسائل مربوط به ویتنام است. این کتاب در سال ۱۳۸۹، به سفارش دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، عرضه گشته است در این اثر ویتنام از جهات مختلف جغرافیایی، انسانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و بین المللی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در واقع مجموعه ای است که در برگیرنده اطلاعات پایه و تخصصی در مورد کشور ویتنام است.

از مقالات علمی نیز می توان به پژوهش «بحران های جهانی شدن، تجارت و توسعه در ویتنام» تألیف ابوت و تارپ که توسط دانشگاه ملل متحد در مارس ۲۰۱۱، منتشر شده است اشاره کرد. نویسندگان در این مقاله به بررسی عملکرد ویتنام در طول و بعد از بحران های اخیر جهانی شدن یعنی بحران مالی آسیا ۹۸-۱۹۹۷ و رکود بزرگ ۰۹-۲۰۰۸، بحران مالی و سقوط تجارت جهانی می پردازند. نویسندگان، ویتنام را از زمان شروع اصلاحات اقتصادی در سال ۱۹۸۶، در زمره موفق ترین اقتصادهای آسیای شرقی معرفی می کنند. پژوهش دیگری که توسط همین دانشگاه در سال ۲۰۰۹ ارائه شده است، مقاله «ویتنام به عنوان الگویی برای توسعه» از تالیفات جان توبرن است که ایشان نیز شروع عملکرد توسعه ویتنام را از اوایل دهه ۱۹۹۰، می دانند به طوری که این کشور بعد از برنامه اصلاحات اقتصادی با اتخاذ راهبردهای صحیح و به موقع توانست بر بسیاری از مشکلات اقتصادی خود که حاصل سال ها جنگ و کشمکش بود فائق آید. لازم به ذکر است که در بررسی شاخص های

اقتصادی ویتنام به گزارش‌های، تحقیقات و داده‌های ارائه شده در پایگاه بانک جهانی استناد شده است. اما از پژوهش‌های مهم داخلی درباره ویتنام که فصلنامه پژوهش‌های تجارت جهانی در سال ۱۳۸۵، آن را ارائه کرده است می‌توان به مقاله «کالبد شکافی فرایند الحاق ویتنام به سازمان جهانی تجارت» به قلم علی صباغیان اشاره کرد. این پژوهش درصدد توضیح فراز و نشیب‌های بزرگی است که ویتنام در راه الحاق به سازمان جهانی تجارت سپری کرده است.

صباغیان با بررسی فرایند الحاق ویتنام نشان می‌دهد این کشور جهت رهایی از اقتصاد متمرکز کمونیستی و حاکم کردن سازوکارهای اقتصاد بازار نیازمند ورود به سازمان جهانی تجارت بود. از سوی دیگر برنامه اصلاحات اقتصادی دوی موی، عضویت در بلوک‌های منطقه‌ای و بهبود مناسبات سیاسی و تجاری ویتنام با امریکا را در الحاق این کشور به سازمان جهانی تجارت موثر می‌داند. به علاوه توضیح می‌دهد که ویتنام در چارچوب پذیرش الزامات عضویت در سازمان جهانی تجارت توانسته است اصلاحات گسترده‌ای را در قوانین و مقررات اقتصادی و تجاری خود با رویکرد حاکم کردن اصول اقتصاد بازار انجام دهد.

در هیچ یک از آثار به موضوع جهانی شدن و توسعه اقتصادی در ویتنام بطور خاص و عمیق پرداخته نشده است. هرچند منابع محدودی به موضوع مورد بررسی ما نزدیک بودند اما سایر منابع صرفاً اطلاعاتی جزئی راجع به ویتنام داشتند. بدین ترتیب تاکنون هیچ پژوهشی بطور خاص، موضوع جهانی شدن و تاثیر آن بر روی توسعه اقتصادی ویتنام را بررسی نکرده است. بنابراین موضوع پژوهش حاضر موضوعی جدید به شمار می‌آید که انجام آن از این رو دارای اهمیت است که خوانندگان و علاقمندان پیوستن به جریان جهانی شدن و همگرایی با جوامع مختلف در سراسر جهان را با یک نمونه عملی بهره‌وری مطلوب از فرایند جهانی شدن آشنا می‌سازد که می‌تواند در راه برخورد با پدیده جهانی شدن به آنان یاری رساند. پژوهش، با ارائه عملکرد و تجربیات ویتنام از جهانی شدن و توسعه اقتصادی یادآوری می‌کند کشوری که تا چند دهه پیش، جهانیان فقط آن را به عنوان نمونه

مقاومت در برابر تهاجم خارجی می‌شناختند، اکنون با موفقیت‌های خود که حاصل مجموعه‌ای از عوامل تأثیرگذار بوده است توانسته به رغم مشکلات، راه رشد اقتصادی را در پیش بگیرد و الگوی مناسبی هم برای توسعه باشد.

۲. جهانی شدن

از اواخر قرن بیستم کمتر مقوله‌ای در حوزه علوم اجتماعی وجود داشته که به گونه‌ای با موضوع جهانی شدن مربوط نشده باشد. در حوزه اقتصاد و تجارت که همه مباحث به نوعی به فرایندهای جهانی مربوط می‌شود، در حوزه سیاست که از رژیم‌های جهانی امنیتی و بسط جهانی حقوق بشر و دموکراسی یا چالش‌های جهانی مانند بنیادگرایی، تروریسم و محیط زیست صحبت می‌شود و در حوزه فرهنگ که سخن از درهم آمیختگی هویت‌های محلی و جهانی است و همچنین با گسترش روزافزون فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و نیز بسط جهانی هنرها و الگوهای فرهنگی خاص، درک و فهم پدیده‌های فرهنگی پیوند عمیقی با روند جهانی داشته است. از همین رو دیگر کمتر متفکر، اندیشمند یا فعالیت علمی را می‌توان یافت که به گونه‌ای سخن از جهانی شدن، حال به اثبات یا نفی، نیاورده باشد. در آغاز قرن بیست و یکم مؤسسات، مراکز علمی، دانشگاه‌ها و متفکران بی‌شماری دست‌اندرکار بررسی و شناخت ابعاد مختلف این پدیده هستند و این امر نشان می‌دهد که این موضوع به امری بنیادین در عرصه دانش بشری تبدیل می‌شود (سلیمی، ۱۳۹۲: ۲). اما مفهوم جهانی شدن همانگونه که مفهومی رایج و فراگیر است، مورد مشاجره و اختلاف نظر نیز هست. زیرا از آنجایی که این مفهوم اساساً دارای منشأ چند رشته‌ای است، عملاً برای هر تحلیل‌گر احتمالی این امکان وجود ندارد که از میان هزاران تعبیر و تفسیر مختلف به تشخیص معنا یا مدلولی ساده برای این اصطلاح بپردازد. آنچه موجب پیچیدگی ماهیت جهانی شدن می‌شود، ارائه دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف، به آن است که موجب شکل‌گیری سیلابی از ادبیاتی شده است که نشان از فروکشی ندارد. هر چند اختلاف در دیدگاه‌ها، در صورت آگاه بودن خواننده به این موضوع می‌تواند معقول باشد ولی تفاسیر متعارض گاه تا آن اندازه بنیادی هستند که

دیگر هیچ گونه انسجام قابل تصویری که صاحب نظر قادر به تشخیص آن در فرایند جهانی شدن باشد، باقی نمی ماند. به طور خلاصه، تقاضا برای ارائه الگویی واحد برای جهانی شدن بسیار دور از واقعیت است. بنابراین نتیجه این همه آشفتگی، بصورتی معقول، این است که اعتبار جهانی شدن به عنوان یک مفهوم نظری همواره مورد مناقشه باشد (کلارک، ۱۳۸۲: ۸۴-۸۳).

با این تفاسیر در زبانی که عموماً به کار گرفته می شود، جهانی شدن بیانگر فشرده شدن زمان و مکان به میزانی غیرمعمول و به روش هایی بی سابقه و غیرمنتظره است. در واقع همه تفاسیر صورت گرفته از جهانی شدن بر چند بعدی بودن این مفهوم اذعان داشته اند، هر چند که برخی از وجوه و جنبه های آن را اساسی تر از سایر جوانب در نظر گرفته اند (کلارک، ۱۳۸۲: ۸۶-۸۵).

برای تعریف جهانی شدن از واژه ها و عبارت متنوعی استفاده شده است که برخی از آنها عبارتند از: «فشردگی جهانی»، «وابسته تر شدن بخش های مختلف جهان»، «افزایش وابستگی و در هم تنیدگی جهانی»، «فرایند غربی کردن و همگون سازی جهان»، «ادغام همه جنبه های اقتصادی در گستره ای جهانی»، «پهناورتر شدن گستره ی تاثیرگذاری و تاثیر پذیری کنش های اجتماعی» (شیرزادی، ۱۳۸۶: ۱۱۳). بطور خلاصه جهانی شدن صرفاً به عنوان یک نظریه اجتماعی در نظر گرفته نمی شود بلکه تصویری از یک واقعیت جدید اجتماعی با اهمیتی بالقوه حیاتی تلقی می شود (کلارک، ۱۳۸۲: ۸۵).

اکثر نظریه پردازان می پذیرند که اهمیت جهانی شدن از پایان جنگ سرد در سال ۱۹۸۹، افزایش یافته است. البته این بدان معنا نیست که جهانی شدن پس از پایان جنگ سرد شروع شد. در عوض بسیاری از محققان بر این نکته توافق دارند که نخستین موج جهانی شدن از سال ۱۸۷۰، آغاز و تا سال ۱۹۱۴، ادامه داشته است. موج دوم جهانی شدن نیز از ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۰ بود که در کشورهای صنعتی از این دوره با نام «سال های طلایی» یاد می شود در حالی که موج دوم برای کشورهای در حال توسعه «طلایی» نبود. و بالاخره موج جدید جهانی شدن که تقریباً در سال

۱۹۸۰ آغاز شد؛ با فروپاشی شوروی سرعت گرفت و تاکنون ادامه دارد (بانک جهانی با همکاری انتشارات دانشگاه اکسفورد، ۱۳۸۷: ۸۳). از سال ۱۹۸۰ به بعد، بسیاری از کشورهای در حال توسعه «جهان گرایان جدید» وارد بازارهای جهانی تولید کالا و خدمات شده‌اند. در دوره اخیر، افزایش سهم تولیدات صنعتی در صادرات کشورهای در حال توسعه بسیار چشمگیر بوده و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هم به شدت افزایش داشته است. این رخدادها نشان دهنده تحولات جدی است.

امروزه کشورهای کم درآمد به طور مستقیم با کشورهای پردرآمد رقابت می‌کنند، در حالی که پیش‌ترها تولیدات این کشورها به کالاهای سنتی و ابتدایی محدود می‌شد. در موج اخیر، پیوستگی بازارهای جهانی تنوع چشمگیری یافته و بازار کالاهای تولیدی اکنون بسیار بیش‌تر از قبل شاهد پیوستگی است (بانک جهانی با همکاری دانشگاه اکسفورد، ۱۳۸۷: ۸۵).

در این زمینه، وحدت دو ویتنام، درمانی برای اقتصاد بیمار این کشور نشد. اقتصاد برنامه‌ریزی شده متمرکز به منافع شخصی مردم توجهی نمی‌کرد و افراد هم برای افزایش تولید انگیزه چندانی نداشتند. نبود انگیزه و نبود نوآوری، تحرک اقتصادی را از بین برده بود و کاهش اهمیت کشاورزی در کشوری که از لحاظ بسترهای کشاورزی بسیار مناسب بود همراه با اقتصاد رو به زوال، وضعیت بسیار ناگواری را ایجاد کرده بود. حرکت به سمت جهانی شدن، پیش از آنکه کل کشور از گرسنگی تلف شود ضروری بود، جهانی شدن برای ویتنام منافع زیادی داشت؛ تجارت خارجی، ابداع و بهره‌وری را افزایش می‌داد و با کمک یک بازار بزرگ جهانی در مقایسه با بازارهای کوچک داخلی، انگیزه بیشتری برای ابداع ایجاد می‌کرد (رحیمی بروجردی، ۱۳۸۹: ۱۹۵-۱۹۴).

۳. توسعه

مفهوم توسعه نیز طی چند دهه اخیر معنایی بسیار متغیر و موسع داشته است. در سال‌های اولیه پس از جنگ جهانی دوم این مفهوم را مترادف رشد و در همان معنای صرف اقتصادی به کار می‌بردند. مباحث و نظریات برخی از محققان غربی نظیر

رستو بر مبنای چنین تعریفی از توسعه قرار دارد. رستو توسعه را فرایندی چند مرحله‌ای می‌داند که از مراحل چون سنتی، انتقالی، خیز و بلوغ می‌گذرد و سرانجام به عالی‌ترین مرحله رشد اقتصادی یعنی «مصرف انبوه» می‌رسد. همین تعریف از توسعه مورد قبول سازمان ملل متحد نیز قرار گرفت. این سازمان دهه ۱۹۶۰ را به عنوان اولین دهه توسعه برای کشورهای موسوم به جهان سوم اعلام کرد. در این تعریف از توسعه و همچنین در برنامه‌ریزی‌های مبتنی بر این تعریف، به مسائلی نظیر فقر، بیکاری و دیگر نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی در این کشورها توجه نمی‌شد بزودی روشن شد که یکسان انگاشتن توسعه با رشد اقتصادی چندان درست نیست. بنابراین هم صاحب‌نظران و هم برنامه‌ریزان تلاش کردند تعریف و مشخصات موسع‌تری را برای توسعه در نظر گیرند (ساعی، ۱۳۸۱: ۱۸).

بر این اساس، مشخصاتی نظیر کاهش فقر و نابرابری نیز در مفهوم توسعه گنجانده شد و توسعه به معنای «بهبود زندگی اجتماعی» در نظر گرفته شد. دادلی سیرز معتقد بود که برای اثبات توسعه در یک کشور باید دید در کنار افزایش درآمد سرانه، آیا فقر و بیکاری و نابرابری در آن کشور تغییراتی کرده است یا نه؟ به نظر او تنها در صورتی که این شاخص‌ها بهبود یافته باشد می‌توان مدعی وقوع توسعه در یک کشور شد. این تعریف جدید راهنمای برنامه‌های توسعه برخی از کشورها و همچنین راهنمای برنامه دهه دوم توسعه که از سوی سازمان ملل متحد برای دهه ۱۹۷۰ ارائه شده بود، قرار گرفت.

اما این رهیافت «اجتماعی ایدئالیستی» از توسعه نیز فقط توانست در تعاریف و مباحث نظری توسعه بازتاب یابد و در عمل با دهه‌های قبل چندان تفاوتی نداشت. اصولاً در این گونه تعاریف، به مکانیزم‌ها و ابزارهای دستیابی به اهداف و یا چگونگی رویارویی با موانع و مشکلات، کمتر توجه شده بود. از همه مهمتر اینکه در این رهیافت اجتماعی از توسعه، به ابعاد و مسائل و موانع سیاسی توسعه، چه در سطح داخلی کشورهای موسوم به جهان سوم و چه در سطح بین‌المللی، توجه نشده بود. معمولاً تصور می‌شد که بخش اعظم وظیفه پیشبرد برنامه‌های موسوم به توسعه

در کشورهای جهان سوم، چه در نظریه و چه در عمل، به عهده دولت‌های این کشورهاست. اما چه در اینگونه تعاریف از توسعه و چه در برنامه‌های مبتنی بر این تعاریف، به ضرورت اصلاح و دگرگونی در خود دولت، یعنی مجری برنامه توسعه، و نظام سیاسی این کشورها توجهی نشده بود. گویا تصور می‌شد که در یک جامعه به اصطلاح در حال توسعه، دولت یک تافته جدا بافته است، در حالی که واقعیت این بود که دولت و نظام سیاسی در غالب این کشورها حتی از دیگر حیطه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز توسعه نیافته‌تر بود و خود به مانع بزرگی بر سر راه توسعه تبدیل شده بود. تعاریف جامع‌تری نیز از توسعه ارائه شد که انواع مشخصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حتی روانشناختی نیز در آنها گنجانده شده بود (ساعی، ۱۳۸۱: ۱۹). اما تمامی تعاریف به اصطلاح جامع، بیشتر، توصیفی از یک وضعیت ایده‌آل هستند که برای سنجش آنها معیارهایی مشخص و برای دستیابی به آنها راه و روش معینی تعیین نشده است. اصولاً یکی از علل اصلی ابهامات و نارسایی‌های تعاریف توسعه، خود ماهیت مقوله توسعه است.

اقتصاد دانان، ارزش را در رشد اقتصادی و افزایش سطح زندگی؛ جامعه‌شناسان در نظم و تعادل اجتماعی و آگاهان سیاسی در کارآمدی و مشروعیت نظام سیاسی می‌دانند همچنین در میان توده مردم، عده‌ای ارزش را در رفاه و ثروت، عده‌ای در نظم و امنیت، عده‌ای در گسترش اخلاق و معنویت و عده‌ای در گسترش آزادی و عدالت می‌دانند. خود این ارزش‌ها را نیز افراد و گروه‌ها و جوامع مختلف، تعریف و تفسیرهای بسیار متفاوتی کرده‌اند.

بنابراین مقوله توسعه ماهیتی ارزشی، هنجاری و نسبی دارد. به عبارت دیگر توسعه مفهومی است که هر فرد، گروه و جامعه‌ای، معنا و ارزش‌های مورد نظر خود را از آن استنباط می‌کند و روشن است که این معانی و ارزش‌ها بسته به موقعیت و حتی مشغولیت افراد و گروه‌ها، کم و بیش متفاوتند (ساعی، ۱۳۸۱: ۲۰). حال با توجه به تحولی که طی بیش از چهار دهه در مفهوم توسعه بوجود آمد، اهداف توسعه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. دستیابی به رشد اقتصادی

۲. کاهش فقر مطلق

۳. گسترش خدمات اجتماعی

۴. گسترش دموکراسی و مشارکت اجتماعی

اکنون با عنایت به اهداف ذکر شده می‌توان ابعاد توسعه را به اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی تفکیک کرد. توسعه اقتصادی عبارتست از تغییرات و دگرگونی‌های ساختی در اقتصاد کشور در چارچوب نظام ارزش‌های سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه. شاخص‌های توسعه اقتصادی عبارتند از: افزایش تولید ناخالص ملی، سهم بخش‌های عمده اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) در تولید ناخالص ملی، رشد سالانه تولید ناخالص داخلی سرانه، پایین بودن میزان تورم سالانه، رشد سالانه صادرات نسبت به تولید ناخالص داخلی، افزایش مازاد بودجه عمومی دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی (شیرزادی، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۰). توسعه اجتماعی - فرهنگی، فرآیند جهت‌گیری، سیاستگذاری و ایجاد هماهنگی در برنامه‌هایی است که موجبات بهزیستی انسان را فراهم می‌آورد.

برخی شاخص‌های توسعه اجتماعی عبارتند از: امید به زندگی، نرخ باسوادی، دسترسی به امکانات آموزشی در سطوح مختلف تحصیلی، دسترسی به آب سالم، دسترسی به خدمات اجتماعی (شیرزادی، ۱۳۸۶: ۲۳). در خصوص تعریف دقیق توسعه سیاسی همواره اختلاف نظر وجود داشته است. آنچه در بحث توسعه سیاسی مطرح می‌شود، مسأله بهسازی یا زوال سیاسی و مسئله پیشرفت یا پسرفت سیاسی است. در دوره پس از جنگ دوم جهانی به ویژه به مسئله پیشرفت سیاسی که اصطلاحاً به توسعه سیاسی شهرت یافته، پرداخته شده است.

به طور خلاصه می‌توان گفت که توسعه سیاسی در دو حوزه اتفاق می‌افتد: یکی در درون نظام سیاسی و دیگری در حوزه‌ی جامعه مدنی و در نهایت موجب نهادمندی، سامان‌یابی و کارایی این دو حوزه می‌شود (شیرزادی، ۱۳۸۶: ۲۴-۲۳).

۴. ویژگی‌های عمومی ویتنام

جمهوری سوسیالیستی ویتنام رنگین کمانی از نژادها، تجربه‌ها و زندگی‌های مختلف، جای گرفته در قلب جنوب شرق آسیا، کشور باریکی به شکل S می‌باشد که شمالی‌ترین نقطه تا جنوبی‌ترین نقطه آن ۱۶۵۰ کیلومتر از یکدیگر فاصله دارند. باریک‌ترین منطقه ویتنام به عرض ۵۰ کیلومتر در مرکز این کشور واقع گردیده است. مساحت زمینی با احتساب قریب به ۱۰۰۰ جزیره بزرگ و کوچک ۳۲۶.۷۹۷ کیلومترمربع است که با اضافه نمودن آب‌ها این مساحت به ۳۲۹.۵۶۶ کیلومتر بالغ می‌گردد و از این حیث کمی بزرگ‌تر از ایتالیا و تا حدودی نیز کوچک‌تر از ژاپن است. ویتنام از شمال با چین از غرب با لائوس و کامبوج، هم مرز بوده و از شرق به خلیج تونکن و دریای چین جنوبی و از جنوب و جنوب غربی به دریای چین جنوبی و خلیج سیام محدود است (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۹: ۱). ویتنام دارای ۳/۲۶۰ کیلومتر خط ساحلی است و دارای بنادر دریایی بسیاری که ایده‌آل برای تجارت بین‌الملل هستند همچنین از مناطق مورد مناقشه در ویتنام می‌توان به جزایر پاراسل و اسپراتلی اشاره کرد. هر چند در تاریخ ۳۰ دسامبر سال ۱۹۹۹ معاهده حل و فصل اختلافات مرزی مشترک میان دو کشور ویتنام و چین به امضا رسید با این حال برغم تلاش‌های هانوی و پکن برای ارائه تصویری غیرمخدوش از مناسبات دو جانبه خود این جزایر در دریای چین جنوبی هنوز هم بعنوان قلمرو مورد اختلاف در نظر گرفته می‌شوند. مالزی، بروئی، فیلیپین و تایوان نیز ادعای حاکمیت بر اسپراتلی را دارند، جزایری که تصور می‌شود سرشار از ذخایر نفت و گاز طبیعی است.

منابع طبیعی ویتنام شامل منابع انرژی نفت، گاز، زغال سنگ و برق آبی؛ مواد معدنی بوکسیت، سنگ آهن، سرب، طلا، سنگ‌های قیمتی، قلع، کرومات، زغال سنگ خشک یا خالص، مصالح ساختمانی، گرانیت، سنگ مرمر، خاک رس، شن و ماسه سفید و گرافیت؛ دریا، جنگل‌های استوایی و پتانسیل‌های کشاورزی می‌باشد (Vietnam Investment Guide, 2009: 1-10). هانوی بعنوان پایتخت، شهری

است شمالی با قدمتی ۱۰۰۰ ساله که در کنار رودخانه سرخ واقع شده؛ هر چند هانوی مرکز اداری ویتنام بوده، وزارتخانه‌ها و سایر نهادهای حکومتی در آنجا استقرار یافته‌اند. اما از حیث اقتصادی و تجاری در رده دوم بعد از شهر هوشی مین قرار دارد. هوشی مین شهری بزرگ و پرجمعیت واقع در جنوب کشور است که بزرگترین و مهم‌ترین بندر کشور را هم در خود جای داده است. این شهر قبل از سقوط حکومت جنوب با نام سایگون، پایتخت ویتنام جنوبی به حساب می‌آمد اما با وحدت دو ویتنام و حاکمیت کمونیستی بر سراسر کشور به احترام رهبر فقید ویتنام به هوشی مین تغییر نام یافت (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۹: ۹). زبان‌های رسمی این کشور؛ ویتنامی، انگلیسی، فرانسوی، چینی و خمر زبان مناطق کوهستانی نیز رایج است. در عرصه سیاست خارجی حفظ و حراست از ساختار سیاسی همراه با توسعه اقتصادی کشور جزو اولویت‌های اصلی حزب کمونیست ویتنام در سال‌های اخیر محسوب می‌شود.

همچنین این کشور توسعه روابط حسنه با ترکیبی متنوع از دولت‌ها را اساس سیاست خارجی خود قرار داده و از این مسئله در جهت تامین بیشتر منافع اقتصادی استفاده می‌کند. داده‌ها نشان می‌دهد تا سال ۲۰۰۹، ویتنام با ۱۷۲ کشور روابط دیپلماتیک و نیز با حدود ۱۶۵ کشور و قلمرو روابط اقتصادی و تجاری برقرار کرده است به علاوه در ۶۳ سازمان بین‌المللی و بیش از ۶۵۰ سازمان غیردولتی عضویت دارد (Vietnam Investment Guide, 2009: 1-2). اما ویتنام یک دولت تک حزبی است و تنها حزب کمونیست انحصار قدرت را بدست دارد.

بنابراین فعالیت احزاب دیگر در این کشور ممنوع است، همچنین دارای یک رهبری سه‌گانه متشکل از دبیرکل حزب کمونیست، نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور می‌باشد. تصمیم هر عضو این گروه سه‌گانه باید توسط دو نفر دیگر تایید شود. در حوزه قانون‌گذاری؛ قانون اساسی، مجلس ملی را به عنوان عالی‌ترین نهاد اقتدار کشور به رسمیت می‌شناسد، مجلس ملی دارای ۵۰۰ عضو است که اعضای آن با رای مردم برای خدمت در یک دوره پنج‌ساله برگزیده می‌شوند.

همین طور در حوزه اجرایی طبق قانون اساسی، رئیس جمهور را مجلس ملی از میان نمایندگان خود برای مدت پنج سال انتخاب می کند، نخست وزیر هم طی مدت مشابه توسط رئیس جمهور از میان اعضای مجلس ملی منصوب می شود ولی معاونین نخست وزیر توسط شخص نخست وزیر انتخاب می شوند. در کل انتصاب نخست وزیر و معاونین وی باید به تایید مجلس ملی برسد.

بالاخره در راس تشکیلات قضایی، دیوان عالی خلق وجود دارد که رئیس دیوان عالی به پیشنهاد رئیس جمهور و توسط مجلس ملی برای مدت پنج سال منصوب می شود. پرچم ویتنام هم زمینه ای قرمز رنگ دارد که در مرکز آن یک ستاره پنج پر بزرگ زرد رنگ دیده می شود، رنگ قرمز نماد انقلاب و خون و ستاره پنج پر نشان دهنده عناصر پنجگانه مردم؛ دهقانان، کارگران، روشنفکران، تجار و سربازان است که برای ساختن سوسیالیسم متحد می شوند. تعطیلات رسمی این کشور نیز عبارتند از: اول ژانویه سال میلادی؛ تت یا سال نو که تاریخی متغیر در ژانویه یا فوریه دارد، روز آزادی به مناسبت سقوط سایگون سی آوریل، روز کارگر اول می و روز استقلال به مناسبت خروج نیروهای ژاپنی پس از شکست در جنگ دوم جهانی که دوم سپتامبر است (Nguyen Noi, 2012:2-5).

۵. روندهای جاری اقتصادی در ویتنام

طی سال های اخیر ویتنام موفق شد نرخ های رشد اقتصادی قابل توجهی را به ثبت برساند. برخی از عمده ترین شاخص های اقتصادی این کشور در سال ۲۰۱۲ عبارتند از: جمعیت ۸۸/۷۷۵/۵۰۰؛ رشد سالانه جمعیت طی سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ حدود ۱/۰ درصد و در سال ۲۰۱۲، ۱/۱ درصد؛ درآمد سرانه ناخالص ملی حدود ۱,۴۰۰ دلار؛ امید به زندگی در زنان طی سال های ۲۰۱۱-۲۰۰۹، ۷۷ سال و در مردان با همین دوره زمانی ۷۳ سال؛ همچنین در سال ۲۰۱۰ نرخ باسوادی بزرگسالان ۹۳ درصد؛ تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۱۲ حدود ۱۴۱,۶۶۹,۰۹۹,۲۸۹ دلار، رشد سالانه تولید ناخالص داخلی ۵/۰ درصد و سرانه تولید ناخالص داخلی ۱/۵۹۶ دلار؛ ارزش افزوده به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی در بخش کشاورزی سال

۲۰۱۲ حدود ۲۱/۳ درصد، در بخش صنعت ۳۹/۹ درصد و در بخش خدمات ۳۸/۸ درصد؛ طی همین سال صادرات کالاها و خدمات بعنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی ۸۹/۸ درصد و واردات آن ۹۰/۲ درصد؛ صادرات با فن آوری بالا بعنوان درصدی از صادرات کارخانه‌ای طی سال ۲۰۰۸ حدود ۴/۸؛ سال ۲۰۰۹، ۶/۲ و در سال ۲۰۱۰ نیز ۸/۶ می‌باشد (World Bank, WDI, 2013).

اقلام مهم صادراتی ویتنام در سال ۲۰۱۰ عبارتند از: پوشاک و منسوجات، نفت خام، محصولات دریایی، کفش، تجهیزات الکترونیکی، تولیدات چوبی، جواهرآلات، برنج، ماشین آلات، کائوچو، قهوه، زغال سنگ خشک و خالص و سایر. همچنین واردات عمده این کشور در همین سال شامل: ماشین آلات، بنزین، فولاد، منسوجات، لوازم الکترونیکی، خودرو و لوازم یدکی، رزین‌های پلاستیکی، لوازم جانبی پوشاک، خوراک دام و طیور، دیگر فلزات غیر از فولاد، مواد شیمیایی خام، مواد شیمیایی، دارو، محصولات پلاستیکی، چوب و لوازم جانبی، پوشاک و کود (vietpartners, 2010: 1).

در بخش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ده کشور اول سرمایه‌گذار و ده بخش اول سرمایه‌گذاری شده طی سال‌های ۲۰۱۲-۱۹۸۸ به ترتیب عبارتند از: ۱. ژاپن ۲. کره جنوبی ۳. تایوان ۴. سنگاپور ۵. جزایر ویرجین بریتانیا ۶. هنگ کنگ ۷. مالزی ۸. امریکا ۹. جزایر کیمن ۱۰. هلند؛ در بخش‌های ۱. تولیدات ۲. املاک و مستغلات ۳. ساخت و ساز ۴. خدمات اقامتی و غذایی ۵. تامین سیستم تهویه مطبوع و گردش هوا، گاز، برق ۶. اطلاعات و ارتباطات ۷. هنرها، سرگرمی و تفریح ۸. ترابری و ذخیره سازی ۹. کشاورزی، جنگلداری و شیلات ۱۰. اکتشاف و استخراج معادن (Nguyen noi, 2012:11-12)

جدول (۱). رشد اقتصادی ویتنام

	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲
درآمد ناخالص ملی	۷۸.۴۳۹.۱۸۶.۶۷۲	۸۸.۵۳۷.۰۷۲.۸۶۸	۱۰۱.۰۸۹.۱۷۱.۹۶۵	۱۱۱.۱۳۱.۷۸۹.۹۲۶	۱۲۴.۱۴۵.۷۵۰.۳۹۲
سرنانه درآمد ناخالص ملی	۹۲۰.۰	۱.۰۳۰	۱.۱۶۰	۱.۳۷۰	۱.۴۰۰
درآمد ناخالص ملی، برابری قدرت خرید	۲۳۳.۴۴۴.۰۶۴.۰۲۱	۲۴۴.۲۸۶.۹۸۲.۹۷۶	۲۶۵.۸۶۴.۶۹۴.۶۶۱	۲۸۵.۸۰۳.۶۵۶.۷۷۱	۳۰۵.۶۱۳.۳۴۱.۳۷۵
سرنانه درآمد ناخالص ملی، برابری قدرت خرید	۲.۷۴۰	۲.۸۴۰	۳.۰۶۰	۳.۲۵۰	۳.۴۴۰
کشاورزی، ارزش افزوده (% از تولید ناخالص داخلی)	۲۲.۲	۲۰.۹	۲۰.۶	۲۲.۰	۲۱.۳
صنعت، ارزش افزوده (% از تولید ناخالص داخلی)	۳۹.۸	۴۰.۲	۴۱.۱	۴۰.۸	۳۹.۹
خدمات و غیره، ارزش افزوده (% از تولید ناخالص داخلی)	۳۷.۹	۳۸.۸	۳۸.۳	۳۷.۲	۳۸.۸
صادرات کالاها و خدمات (% از تولید ناخالص داخلی)	۷۷.۹	۶۸.۳	۷۷.۵	۸۷.۰	۸۹.۸
واردات کالاها و خدمات (% از تولید ناخالص داخلی)	۹۳.۱	۷۸.۷	۸۷.۸	۹۱.۲	۹۰.۲
سرمایه گذاری مستقیم خارجی، جریان خالص	۹.۵۷۹	۷.۶۰۰	۸.۰۰۰	۷.۴۳۰	---
تولید ناخالص داخلی	۹۱.۰۹۴.۰۵۱.۴۳۵	۹۷.۱۸۰.۳۰۴.۸۱۳	۱۰۶.۴۲۶.۸۴۵.۱۵۷	۱۲۳.۶۷۹.۲۷۴.۴۹۱	۱۴۱.۶۶۹.۰۹۹.۲۸۹
رشد تولید ناخالص داخلی (سالانه %)	۶.۳	۵.۳	۶.۸	۶.۰	۵.۰
تورم، تعدیل کننده تولید ناخالص داخلی (سالانه %)	۲۲.۱	۶.۰	۱۱.۹	۲۰.۸	۱۰.۸
سرنانه تولید ناخالص داخلی	۱.۰۷۰	۱.۱۳۰	۱.۲۲۴	۱.۴۰۸	۱.۵۹۶

Sources: World Bank, World Development Indicators (2013).

۱-۵. تحولات سیاسی

بعد از پشت سر گذاشتن سلطه هزار ساله چینی‌ها، ویتنام در دوران استعماری مستعمره فرانسه شد. این کشور در ۴ ژوئن ۱۸۸۴، رسماً به تحت الحمایگی فرانسه



فصلنامه علمی پژوهشی
سیاست جهانی،
دوره سوم، شماره اول،
بهار ۱۳۹۳

گردن نهاد. در اوایل دهه ۱۹۲۰، احزاب ملی گرا خواستار بهبود شرایط زندگی و استقلال کشور شدند. هوشی مین در ۲ فوریه ۱۹۳۰ در خلال جلسه‌ای در هنگ کنگ حزب کمونیست هند و چین را تاسیس نمود اما فعالیت این احزاب تا جنگ جهانی دوم پیشرفت چشمگیری نداشت. با شعله‌ور شدن جنگ جهانی دوم و سقوط فرانسه؛ هوشی مین و همفکران نزدیک وی، شکست فرانسه به دست آلمان‌ها را فرصت مناسبی برای کسب استقلال یافتند. در سال ۱۹۴۰ قوای ژاپنی وارد ویتنام شدند و فرانسوی‌ها با هدف برقراری آتش بس که این امکان را فراهم می‌ساخت تا مسئولانش در دوران سلطه ژاپن بر ویتنام در مناصب خود باقی بمانند بلافاصله با ژاپنی‌ها وارد مذاکره شده و به توافق رسیدند.

هوشی مین در ژانویه ۱۹۴۱ وارد کشورش شد و تشکیلات اتحاد برای استقلال ویتنام یا جبهه ویت مین را با هدف کسب استقلال از فرانسه و ژاپن تاسیس نمود. در پی شکست نهایی و تسلیم ژاپن به متفقین، در دوم سپتامبر ۱۹۴۵، هوشی مین استقلال و تشکیل جمهوری دموکراتیک ویتنام را اعلام نمود (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۹: ۲۶-۲۴). با خاتمه جنگ قوای استعماری فرانسه به ویتنام بازگشت و در ماه اکتبر بر سایگون مسلط شدند و ظرف مدت سه ماه سراسر جنوب ویتنام را تحت کنترل خود در آوردند. در پی خلف وعده فرانسه در اعطای استقلال به ویتنام و تلاش برای اشاعه‌ی تسلط خود بر مناطق شمالی، هوشی مین چاره‌ای جز توسل به مبارزه مسلحانه پیش روی ندید. در ۱۹ دسامبر ۱۹۴۶ فرانسه از ویت مین خواست تا حکومت خود را تعطیل نماید. چند هفته بعد درگیری مسلحانه در هانوی رخ داد بنابراین مذاکرات متعدد راه به جایی نبرد و سرانجام شکست نهایی مذاکرات بین ویت مین و دولت فرانسه سرآغاز جنگ خونین هشت ساله و به تعبیری جنگ اول هند و چین گردید (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۹: ۲۷). برغم پیروزی‌های اولیه فرانسه، سرانجام ویت مین بر اکثر مناطق ویتنام و حتی بخش‌هایی از لائوس مستعمره دیگر فرانسه تسلط یافت. در سال ۱۹۵۳، آخرین شکست نیروهای فرانسوی در دره دین بین فو

رقم خورد و نهایتاً فرانسه در هفتم ماه می ۱۹۵۴ ناگزیر شد تا به سلطه استعماری خود بر ویتنام پایان دهد. کنفرانس ژنو به همین منظور تشکیل شد و نهایتاً پیمان ژنو به امضا رسید، یکی از بندهای این پیمان تقسیم ویتنام به دو قسمت شمالی و جنوبی بود، که در شمال، هوشی مین با دولت کمونیستی و در جنوب، نو دین زیم که از حمایت امریکا برخوردار بود قدرت را در دست گرفتند. اما مهمترین بند پیمان، پیش بینی برگزاری انتخابات در سراسر ویتنام در ۲۰ ژوئیه ۱۹۵۶ به منظور کسب نظر مردم درباره آینده کشور بود. در سال ۱۹۵۵، زیم که اطمینان داشت در صورت برگزاری انتخابات، هوشی مین قطعاً پیروز خواهد شد با پشتیبانی امریکا از اجرای این بند از پیمان سرباز زد (دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۹: ۲۹-۳۰). با استنکاف جنوبی‌ها و حامیان غربی آنان از گردن نهادن به این بند از پیمان صلح، آتش جنگ خونین دوم هند و چین شعله‌ور شد و با شکست و خروج ارتش امریکا و سقوط ویتنام جنوبی به انتها انجامید. بدین ترتیب در بامداد ۳۰ آوریل ۱۹۷۵ دونگ ون مین در کاخ ریاست جمهوری به نیروهای ویتنام شمالی تسلیم شد. سقوط ویتنام جنوبی، مقامات کمونیست ویتنام شمالی را که از قبل برنامه‌ای برای ادغام دو ویتنام تدارک ندیده بودند با مشکلات جدی رو به رو ساخت. به همین جهت تا زمان وحدت رسمی دو ویتنام در دوم ژوئیه سال ۱۹۷۶ ویتنام جنوبی توسط دولت موقت انقلابی اداره شد (دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۹: ۴۲).

حوادث رخ داده، این کشور را در وضعیت نامطلوبی قرار داد به طوری که نه تنها فشار سنگین ناشی از خسارت‌های فراوان جنگ را تحمل می‌کرد بلکه ساختارهای نهادی که بعدها روی کار آمدند و قدرت یافتند، در اولویت بندی صحیح اقدامات و تبیین سیاست‌ها از یک سو و کمک به بهبود سریع اقتصاد کشور از سوی دیگر با شکست مواجه شدند (رحیمی بروجردی، ۱۳۸۹: ۱۹۳). هر چند خسارات وارده بر زیرساخت‌های کشور در طول سالیان جنگ از علل مهم ناکامی‌های اقتصادی به شمار می‌آید اما بنابر اعتراف دولت ویتنام، بحران اقتصادی

نتیجه اتخاذ سیاست‌های سوسیالیستی بعد از وحدت و نیز متأثر از فساد اداری و هزینه‌های سنگین نظامی و دفاعی بوده است (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۹: ۷۹). به همین ترتیب شکست سوسیالیسم دولتی را نیز تا حدودی می‌توان ناشی از نارسایی برنامه ریزی متمرکز برای ایجاد بخش‌های مصرفی، مالی، اطلاعات و ارتباطات دانست (شیرزادی، ۱۳۸۶: ۱۳۳).

۲-۵. تحولات اقتصادی

۱-۲-۵. بررسی عملکرد حزب کمونیست ویتنام از ۱۹۷۶

در دسامبر سال ۱۹۷۶ کنگره چهارم حزب کارگران، توسعه کشاورزی و صنایع سبک را مدنظر قرار داد و به دلیل فقدان منابع مالی لازم، توسعه صنایع سنگین را اولویت ثانویه تعیین کرد. در ماه می سال ۱۹۷۷ کنگره امریکا ارائه هرگونه کمک به ویتنام را ممنوع ساخت و محرومیت این کشور از کمک‌ها و وام‌های سازمان‌های بین‌المللی را موجب شد. فرار سرمایه و سرمایه داران از جنوب کشور و بیکاری گسترده در شهرهای جنوبی، رایج بودن دو پول متفاوت در شمال و جنوب، کمبود مواد غذایی و کاهش تولیدات کشاورزی و صنعتی، زد و خورد مرزی با چین در سال‌های بعد، کاهش توجه بلوک شرق به این کشور و همچنین وضع تحریم‌های اقتصادی توسط امریکا، اقتصاد شکننده ویتنام را دچار چالشی جدی کرد که در اوایل دهه ۱۹۸۰ رخ نمایان کرد (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۹: ۷۹).

در سال ۱۹۷۸ دولت ویتنام مبارزه جدی با هر گونه نماد باقیمانده از اقتصاد بازار آزاد را در جنوب کشور آغاز کرد. در آوریل همان سال پول واحدی در سراسر کشور به جریان افتاد و پیاستر، واحد پول ویتنام جنوبی بی‌اعتبار اعلام شد به این ترتیب مبالغ هنگفتی از دارایی‌های مردم و خصوصاً تجار و سرمایه‌داران مقیم جنوب ارزش خود را از دست داد. لشگرکشی ویتنام به کامبوج و ماندگار شدن ده‌ها هزار سرباز ویتنامی در آن کشور موجب شد تا در خلال سال‌های ۸۰-۱۹۷۹ امریکا، اروپای غربی، ژاپن و آسه آن، ویتنام را تحریم اقتصادی کرده و فشار بر هانوی را تشدید کنند. افزایش تنش در روابط پکن - هانوی و اخراج گسترده چینی تبارهای

ویتنامی و درگیری‌های مرزی متعاقب آن موجب گردید تا روند دور شدن هانوی از چین و تقرب به شوروی و اقمار آن تسریع شود. ویتنام در سال ۱۹۷۸ به شورای همکاری اقتصادی متقابل (کمکون) پیوست و با مسکو پیمان دوستی و همکاری منعقد کرد. با قطع شدن تمامی کمک‌های چین به ویتنام، اتحاد شوروی جایگزین چین در ارائه کمک‌های نظامی، اقتصادی، تجاری و عمرانی به ویتنام گردید (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۹: ۸۰-۷۹).

در مارس سال ۱۹۸۲ کنگره پنجم حزب کمونیست تشکیل شد و به شکل خاص ناکامی‌های اقتصادی کشور را مورد توجه و بررسی قرار داد. در اوایل سال ۱۹۸۵ سیاست‌های منعطف‌تری برای نیل به توسعه اقتصادی به مرحله اجرا درآمد اما بی‌تدبیری در اعمال این سیاست‌ها و خصوصاً مشی پولی نامناسب، اوضاع اقتصادی را بحرانی‌تر ساخت و موجب شد تا در سال ۱۹۸۶ اجرای این سیاست متوقف شده و سیاست متمرکز قبلی مجدداً اعمال شود. با روی کار آمدن گورباچف در شوروی سابق، وی همراه با ایجاد تحولات عمیق در سیاست‌های داخلی و خارجی شوروی، تنش زدایی در روابط مسکو- پکن را مدنظر قرار داد و این مسائل ویتنامی‌ها را بر آن داشت تا بطور جدی برای اقتصاد بحران زده خود چاره‌اندیشی کرده و سرنوشت خود را به آینده نامعلوم شوروی گره‌نزنند. بعد از درگذشت له زوان دبیر کل افراطی حزب کمونیست ویتنام، کنگره ششم حزب کمونیست در دسامبر ۱۹۸۶ تشکیل جلسه داد (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۹: ۸۱). تصمیمات این کنگره، زمینه ساز تحولاتی شگرف در آینده ویتنام گردید. پس از این، تغییرات وسیعی در ترکیب اعضای کابینه به منظور میسر ساختن اعمال سیاست اصلاحات اقتصادی صورت پذیرفت. به علاوه ابتکار هانوی به خروج نیروهای خود از کامبوج تا پایان سال ۱۹۸۹، زمینه لازم برای رفع تحریم‌ها و جذب کمک و سرمایه و همچنین بهبود روابط با پکن را مهیا ساخت. در این دوران ویتنام با احساس خطر از فروپاشی شوروی و محو شدن شورای همکاری اقتصادی متقابل به سرعت برخی کشورهای غربی، ژاپن، سنگاپور، تایوان، تایلند،

هنگ کنگ و چین را جایگزین کرده تا از بروز مشکلات اقتصادی بیشتر جلوگیری نماید. دولت با متعهد ساختن خود به نوسازی اقتصادی (دوی موی)، طراحی اقتصادی متمرکز را به کناری نهاد و مشی اقتصاد آزاد چند بخشی و جذب سرمایه گذاری خارجی را در پیش گرفت. آزاد نمودن قیمت‌ها، شناور ساختن واحد پول ملی، تصویب قانون مالکیت خصوصی، خصوصی سازی تدریجی و اصلاح ساختار بانکی زمینه مساعدی را برای سرمایه گذاری خارجی ایجاد کرد. اولویت‌های اقتصادی بر نوسازی زیرساخت‌های کشور و بهسازی شبکه مخابراتی، گسترش بنگاه‌های کوچک و متوسط، توسعه کشاورزی و ماهیگیری و شیلات، اکتشاف و استخراج نفت و گاز، حفاظت از محیط زیست و بهبود آموزش و تعلیم و تاکید بر آشنایی بیشتر نهادهای دولتی با زبان انگلیسی متمرکز گردید. تصویب قانون شرکت‌های خصوصی موجب شد تا کسب و تجارت خانوادگی در سراسر ویتنام به یکباره گسترش یافته و زمینه پویایی اقتصاد داخلی فراهم شود. از اولین آثار اصلاحات اقتصادی تبدیل شدن ویتنام از کشور وارد کننده برنج در اواسط دهه ۱۹۸۰ به دومین صادر کننده بزرگ برنج جهان در سال ۱۹۹۷ بود.

در واقع ویتنامی‌ها با هوشمندی به جای اختیار کردن سیاست اصلاحات سیاسی شوروی که به فروپاشی این ابرقدرت انجامید، مشی اصلاحات چین را که توأم با موفقیت بود و همانا آزادسازی اقتصاد همراه با کنترل شدید سیاسی را مدنظر داشت در پیش گرفتند. باز شدن فضای اقتصادی و تجاری کشور، سیاست‌های تشویقی و تسهیلات در نظر گرفته شده از سوی دولت برای سرمایه‌گذاران خارجی و همچنین عواملی چون جمعیت بزرگ مصرف کننده و فقدان تولیدات داخلی کافی، توجه سرمایه‌گذاران خارجی و خصوصاً کشورهای آسیای جنوب شرقی، ژاپن، کره جنوبی، تایوان و نیز هنگ کنگ را به سرمایه گذاری مستقیم در ویتنام جلب نمود و مسابقه‌ای بین سرمایه‌گذاران خارجی برای حضور در ویتنام آغاز شد. به موازات این تحولات، کشورهای غربی با اعطای کمک و وام بصورت دو جانبه یا از طریق

سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی بین‌المللی به یاری اقتصاد نوپای ویتنام آمدند و در عین حال زمینه را برای حضور اقتصادی خود در ویتنام آماده کردند.

کنگره نهم حزب کمونیست در سال ۲۰۰۱ با تأکید بر ادامه سیاست اصلاحات اقتصادی، مسئولین دولتی را بر آن داشت تا با تمرکز بیشتری به انجام اصلاحات ساختاری ضروری برای توسعه اقتصاد مدرن اهتمام ورزند. این کنگره همچنین راهبرد اجتماعی- اقتصادی ده ساله کشور را به تصویب رسانید و براساس این راهبرد، مقامات دولتی اهداف برنامه را براساس رشد اقتصادی و فقرزدایی تبیین نمودند. دولت ویتنام خاطرنشان ساخت که به منظور دست یافتن به این اهداف، اولویت‌های اصلاح ساختاری دولت به متحول نمودن سیاست‌های تجاری و مالی دولت و مهیا ساختن فضا برای سرمایه‌گذاری خصوصی و افزایش کارآیی بنگاه‌های دولتی و بهبود مدیریت دولتی معطوف خواهد گردید. اقتصاد ویتنام که تا پیش از نوسازی اقتصادی بشدت داخلی و تجارت خارجی آن منحصر به صادرات مقادیری محدود از محصولات کشاورزی، شیلات و نفت خام بود با رویکرد جدید اقتصادی عملکرد مطلوبی را به نمایش گذارد (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۹: ۸۴-۸۱).

۲-۲-۵. برنامه اصلاحات اقتصادی (دوی موی)

معرفی برنامه اصلاحات اقتصادی

دوی موی، طرح موسوم به نوسازی و تجدید حیات، که از نظر لغوی به معنای تغییر و نو شدن است، برای اولین بار در سال ۱۹۸۶ از سوی حزب کمونیست ویتنام برای اصلاح و نوسازی اقتصاد این کشور مطرح شد و تحولی اساسی در بنیان‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی به وجود آورد. دوی موی به منزله انتقال از یک اقتصاد دستوری استالینیستی و مبتنی بر برنامه ریزی متمرکز به یک اقتصاد بازار با گرایش سوسیالیستی دلالت دارد. در دسامبر ۱۹۸۶، ششمین کنگره حزب کمونیست ویتنام اعلام کرد که مدل اقتصاد کمونیستی که پیش از این دنبال می‌شد شکست خورده است و طرح کلی سیاست‌هایی که ویتنام را به سمت اقتصادی بازتر مبتنی بر اقتصاد

بازار و اقتصاد جهانی هدایت کند در دستور کار قرار دادند. در این راستا، سیاست‌های مهمی در جریان حرکت به سمت اقتصاد بازار در سال ۱۹۸۸ تصویب شد (صباغیان، ۱۳۸۵: ۳۰). سرفصل‌های سیاست‌های موسوم به دوی موی موارد زیر را در بر می‌گرفتند:

۱. پرداخت حقوق و دستمزدها بطور مستقیم و نقدی
۲. قیمت‌گذاری نهاده‌های شرکت‌های دولتی بر مبنای هزینه‌ها
۳. اجازه استخدام تا ده کارگر به کارفرمای خصوصی
۴. جمع‌آوری توقف‌های گمرکی و بازرسی‌های داخل کشور
۵. اصلاح قانون سرمایه‌گذاری خارجی
۶. حذف تعاونی‌های کشاورزی
۷. حذف بیشتر یارانه‌های مستقیم
۸. حذف کنترل قیمت‌ها
۹. افزایش آزادی عمل مدیران بنگاه‌ها
۱۰. تنزل ارزش پول ملی (دونگ) به سطح نرخ‌های بازار
۱۱. از بین بردن انحصار دولت در تجارت خارجی
۱۲. ایجاد مشارکت‌های خارجی در فعالیت‌های بانکداری
۱۳. کاهش محدودیت‌های اعمالی بر بخش خصوصی
۱۴. ایجاد مناطق آزاد صادراتی که در آن شرکت‌های خارجی، ۱۰۰ درصد مالکیت داشته باشند.
۱۵. وضع قانون بر شرکت‌های سهامی
۱۶. برچیدن عناصر اصلی برنامه ریزی مرکزی و بوروکراسی
۱۷. یک کاهش ۱۵ درصدی در نیروی کار دولتی
۱۸. ارجاع شرکت‌هایی که در سال ۱۹۷۵ در ویتنام جنوبی ملی شده بودند به صاحبان قبلی یا ورثه آنها (رحیمی بروجردی، ۱۳۸۹: ۱۹۶).

اصلاح سیاست تجاری و قوانین و مقررات

بخش مهمی از برنامه اصلاحات اقتصادی ویتنام معطوف به اصلاح سیاست تجاری بود. در فرایند اصلاح سیاست تجاری، اقدامات گسترده‌ای برای کاهش کنترل و حمایت دولت از تجارت در چارچوب نظام سوسیالیستی انجام گرفت. البته این تحولات، تدریجی صورت گرفت و در مراحل اولیه بسیاری از محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای که هدف آنها حمایت از صنایع داخلی بود همچنان برقرار ماندند. این نظام در فرایند اصلاح سیاست تجاری با هدف اجازه دادن به شرکت‌های خصوصی متحول شد. یکی دیگر از تحولات در این عرصه، تجدید ساختار محدودیت‌های کمی یا مقداری بود به طوری که در سال ۱۹۸۹ نظام محدودیت‌های مقداری حاکم بر تجارت خارجی که شامل همه کالاها می‌شد تغییر یافت در این بین، تمام سهمیه‌های وارداتی به استثنای برخی اقلام کلیدی خاص حذف شد. البته به اقتضای شرایط روز، ویتنام بطور موقت از این محدودیت‌ها برای واردات برخی کالاها استفاده کرده است. دولت همزمان با تجدید ساختار نظام سهمیه‌ای واردات یک نظام تعرفه‌ای جدید نیز ایجاد کرد. همچنین از اوایل دهه ۱۹۹۰ تلاش خود را به سمت ایجاد مناطق فراوری صادراتی به عنوان راهبردی برای توسعه تولیدات صادراتی و حمایت از صنایع خدماتی معطوف کرد به طوری که تا سال ۱۹۹۷، شش منطقه فراوری صادراتی در این کشور فعال شدند. همچنین از سال ۱۹۹۷ به بعد دولت، سیاست خود را به سمت ایجاد مناطق صنعتی به منظور جذب سرمایه‌های خارجی برای صنایع جایگزینی واردات و نیز صنایع صادراتی معطوف کرد. به علاوه تحول سیاست تجاری ویتنام و اتخاذ سیاست درهای باز موجب تغییر در شرکای تجاری ویتنام شد. در سال ۱۹۹۶ تجارت ویتنام با کشورهای عضو سابق شورای کمک‌های اقتصادی متقابل، به شدت کاهش یافت و کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا بیش از نیمی از حجم صادرات و واردات این کشور را بخود اختصاص دادند. همچنین سهم کشورهای اروپای غربی و بویژه آمریکا که در سال ۱۹۸۹، در تجارت با ویتنام صفر بود تا حد زیادی افزایش یافت. از دیگر آثار اصلاح سیاست تجاری و حرکت

به سمت آزاد سازی تجاری این بود که حجم تجارت خارجی بطور مستمر افزایش یافت. همچنین در بخش اصلاح قوانین و مقررات، دولت برای هموار کردن بستر پیوستن اقتصاد این کشور به اقتصاد جهانی قوانین و مقررات زیادی را تصویب یا اصلاح کرده است بطوری که در یک گام مهم در این مسیر و پس از شروع برنامه اصلاحات اقتصادی در سال ۱۹۸۶، قانون اساسی این کشور را که در سال ۱۹۸۰، اصلاح شده بود بار دیگر اصلاح نمود. قانون اساسی جدید ویتنام همگام با رویکرد برنامه اصلاحات اقتصادی این کشور برای حاکم کردن ساز و کارهای اقتصاد بازار در ویتنام بر نقش مالکیت و فعالیت بخش خصوصی در این کشور که قبل از آن انکار می شد صحنه گذاشت. همچنین قوانین مربوط به حمایت از مالکیت فکری را که در فرایند الحاق به سازمان جهانی تجارت حایز اهمیت زیادی است اصلاح کرد. در این راستا یک قانون جدید سرمایه گذاری نیز تصویب نمود. اگرچه اجرای این سیاست ها در یک کشور کمونیستی کار بسیار سختی بود، اما با توجه به الزامات داخلی و جهانی ناشی از فروپاشی اقتصادهای دستوری، مقامات ویتنامی چاره‌ای جز حرکت در این مسیر نداشتند و این سیاست‌ها جزو سیاست رسمی حزب کمونیست ویتنام قرار گرفت (صباغیان، ۱۳۸۵: ۳۷-۳۲).

۲-۳-۵. الحاق به سازمان‌های منطقه‌ای و بین المللی بعد از ۱۹۸۶ عضویت در آ- سه- آن

وزرای خارجه کشورهای مالزی، فیلیپین، اندونزی، تایلند و سنگاپور در سال ۱۹۶۷، با صدور اعلامیه بانکوک در تایلند، اساسنامه اتحادیه ملل جنوب شرقی آسیا موسوم به آ- سه- آن را امضا کردند. اهداف آ- سه- آن، توسعه همکاری‌های مشترک و کمک‌های متقابل در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، فنی، آموزشی و پژوهشی و... همچنین مسائلی مانند محیط زیست، حقوق بشر و دموکراسی را نیز در زمره اهداف خود لحاظ کرده است. ویتنام در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۵، به عنوان هفتمین عضو رسماً به اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا پیوست (موسی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۲۹). هانوی کوشید تا با همگرایی، به رشد اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و

توسعه فرهنگی در ویتنام و منطقه سرعت بخشید، صلح و ثبات منطقه‌ای را افزایش و همکاری فعال و مساعدت متقابل را برای منافع مشترک در زمینه‌های مختلف گسترش دهد (رحیمی بروجردی، ۱۳۸۹: ۱۹۷). ویتنام در خلال پنجمین نشست سران آ-سه-آن در بانکوک (۱۵ دسامبر ۱۹۹۵)، پروتکل الحاق به موافقت نامه «برنامه تعرفه ترجیحی موثر مشترک» منطقه تجارت آزاد آ-سه-آن را که در بردارنده تعهداتی برای این کشور بود، امضا کرد. عضویت در این اتحادیه و بخصوص طرح تعرفه‌های ترجیحی در عصر افزایش منطقه‌گرایی و جهانی شدن کمک کرد تا ویتنام اقتصاد خود را تقویت کرده و ادغام آن را در اقتصاد جهانی تحکیم بخشد. از آنجا که رقابت بین المللی کارآمدی در تخصیص منابع را تقویت می‌کرد، عضویت در آ-سه-آن و در معرض رقابت سایر اعضا قرار گرفتن سبب شد تا منابع این کشور به سمت فعالیت‌هایی که موجب افزایش درآمد و رفاه مردم بود سوق یابد (صباغیان، ۱۳۸۵: ۳۸-۴۰).

صادرکنندگان ویتنامی با فرصت‌های جدید و تجربه‌های ارزشمند در بازارهای خارجی مجهز شدند، تجربه‌هایی که کمک می‌کرد در صورت پیوستن به سازمان جهانی تجارت این کشور خود را در سیستم تجارت جهانی مصون نگه دارد (رحیمی بروجردی، ۱۳۸۹: ۱۹۸). به علاوه عضویت در موافقت نامه طرح تعرفه‌های ترجیحی موثر مشترک و مشارکت در سایر زمینه‌های همکاری اقتصادی آ سه آن مانند حقوق مالکیت فکری، خدمات، همکاری صنعتی و سرمایه‌گذاری موجب شد که اقتصاد ویتنام علائم قدرتمندی از جهت‌گیری سیاست‌های اقتصادی به سرمایه‌گذاران خارجی ارسال کند. این امر این تصور را در پی داشت که ویتنام قاطعانه بر آزادسازی رژیم تجاری و سرمایه‌گذاری خود ادامه می‌دهد. همچنین پیوستن به آفتا، باعث پذیرش زود هنگام الگوها و رویه‌های حاکم بر تجارت بین‌المللی از سوی ویتنام شد (صباغیان، ۱۳۸۵: ۴۰) و اجازه یافت که تعرفه‌های وارداتی درون آ-سه-آن را به طور زمان بندی شده در یک دوره بلند زمانی کاهش دهد هر چند تعهدات آفتا این کشور را با چالش کاهش تعرفه‌ها یا حفظ وظایف مربوط به واردات روبرو

می‌کرد ولی این در حالی بود که ویتنام تشویق می‌شد تا نظام‌های مالیاتی را که سبب افزایش صادرات از راه مزیت نسبی می‌شدند، مورد استفاده قرار دهد (رحیمی بروجردی، ۱۳۸۹: ۱۹۸).

عضویت در اپک

در ژانویه ۱۹۸۹، بای هاوک نخست وزیر وقت استرالیا خواستار همکاری اقتصادی موثرتر منطقه آسیا-اقیانوسیه شد و به دنبال آن در کانبرا پایتخت استرالیا، وزرای خارجه ۱۲ کشور جمع شده و سازمان همکاری اقتصادی آسیا-اقیانوسیه را که به اپک معروف است تاسیس کردند، سپس در سال ۱۹۹۸، ویتنام همراه با روسیه و پرو به عضویت این سازمان درآمد. دبیرخانه و مقر این سازمان در شهر سنگاپور قرار دارد (موسی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۳۶). ویتنام به دنبال سیاست درهای باز خود برای انتقال از اقتصاد برنامه ریزی شده متمرکز به سمت اقتصاد بازار با فاصله‌ی اندکی پس از عضویت در اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا به سمت عضویت در سازمان همکاری اقتصادی آسیا-اقیانوسیه حرکت کرد که می‌توان گفت این کشور در پیوستن به اپک موضوع بسترسازی برای عضویت در سازمان جهانی تجارت را در نظر داشته است (صباغیان، ۱۳۸۵: ۴۱-۴۰).

الحاق به سازمان جهانی تجارت

فرایند الحاق به سازمان جهانی تجارت، طولانی است چنان که روند الحاق چین حدود ۱۶ سال، ویتنام و عربستان حدود ۱۲ سال به درازا کشیده است. این بدان خاطر است که روند الحاق به سازمان جهانی تجارت اساساً یک فرایند مذاکره است که طی آن شرایط عضو در توافق بین اعضای سازمان با کشور متقاضی الحاق تعیین می‌شود. به این معنا که شرایط الحاق از پیش تعیین شده نیست و منوط به مذاکره است. طی این مذاکره کشورهای متقاضی الحاق باید بپذیرند اقداماتی را جهت مطابقت قوانین ملی خود با مقررات موافقتنامه‌های چند جانبه سازمان به عمل آورند و البته ممکن است تعهدات بیشتری نسبت به این قواعد نیز از کشور متقاضی خواسته شود (موسی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۶۷-۲۶۶). ویتنام در ۴ ژانویه ۱۹۹۵، درخواست



جهانی شدن و توسعه
اقتصادی در ویتنام

عضویت خود را به دبیرخانه سازمان تقدیم کرد. و گروه کاری الحاق این کشور با فاصله کمی در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۵ تشکیل شد اما در مجموع فرایند الحاق این کشور طولانی بود به طوری که بعد از سپری کردن فراز و نشیب‌های بسیار سرانجام در ۱۱ ژانویه ۲۰۰۷ به عنوان یکصد و پنجاهمین عضو وارد سازمان جهانی تجارت شد. اگرچه مدت‌ها قبل از طرح موضوع عضویت ویتنام در سازمان جهانی تجارت این کشور با اجرای برنامه «دوی موی» و بعدها عضویت در پیمان‌های تجارت آزاد منطقه‌ای همچون «آ - سه - آن» و «اپک» یا امضای موافقت نامه تجاری با امریکا روند حاکم کردن سازوکارهای اقتصاد بازار بر فعالیت‌های اقتصادی خود را تا حد زیادی تقویت کرده بود اما با شروع روند الحاق ویتنام به سازمان جهانی تجارت فرایند آزاد سازی اقتصادی این کشور با هدف تطبیق با مقررات این سازمان از سرعت بیشتر برخوردار شد. این فرایند در نهایت با پذیرش پروتکل الحاق ویتنام از سوی اعضای سازمان جهانی تجارت و تحقق عضویت رسمی این کشور مهر تاییدی بر رهایی ویتنام از اقتصاد دولتی گذاشت (صباغیان، ۱۳۸۵ : ۲۸-۲۷). عضویت ویتنام در آ - سه - آن و اپک تا حد زیادی به تقویت توان رقابتی و جسارت ورود در عرصه رقابت جهانی به این کشور کمک کرد اما این کافی نبود و مقامات ویتنامی با درک صحیح واقعیات کشور جنگ زده خود به دنبال یافتن فصلی تازه برای رهایی از فقر و افزایش سطح رشد و توسعه کشور خود بودند. از این رو ناگزیر درصدد عادی سازی روابط با دشمن دیرینه خود یعنی امریکا برآمدند این امر گام به گام پیش رفت تا به انعقاد موافقت نامه دو جانبه تجاری منجر شد. موافقت نامه در ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۰ به امضای طرفین رسید و در سال ۲۰۰۱ توسط مجالس دو کشور تصویب شد. مفاد موافقت نامه تجاری دو جانبه امریکا و ویتنام در زمینه‌های مختلف دقیقاً همان مفاد موافقت نامه‌ها و مقررات سازمان جهانی تجارت است. تطبیق شرایط داخلی ویتنام از نظر تغییرات سیاست تجاری، تصویب مقررات و قوانین لازم، اصلاح مقررات و رویه‌های صادرات و واردات، دسترسی به بازار برای کالاهای صنعتی و خدمات کمک بزرگی به این کشور در فرایند الحاق به سازمان جهانی تجارت کرده است.

ویتنام بوسیله این موافقتنامه بسیاری از اصول اساسی سازمان جهانی تجارت مانند اصل دولت کامله الوداد، اصل رفتار ملی و اصل شفافیت را پذیرفت و از این طریق مبنای محکمی برای انجام مذاکرات الحاق فراهم کرد. طبق این موافقتنامه، ویتنام به بخش اعظم مقررات نظام تجاری چند جانبه سازمان جهانی تجارت متعهد شده است. پیمان تجاری ویتنام با امریکا به اندازه همگرایی با آ-سه-آن، فرصت‌های صادراتی جدیدی را ایجاد کرد (صباغیان، ۱۳۸۵: ۴۳).

۴-۲-۵. بحران‌های جهانی شدن، تجارت و توسعه در ویتنام

از زمان شروع اصلاحات دوی موی ویتنام در زمره موفق‌ترین اقتصادهای آسیای شرقی بوده است. پیش از بحران مالی آسیا در سال ۱۹۹۷-۹۸ رشد اقتصادی ویتنام سالانه بیش از ۹ درصد بود و قبل از بحران مالی و رکود بزرگ ۲۰۰۸-۲۰۰۹ سالانه به بیش از ۸ درصد می‌رسید. ویتنام بهتر از اکثر کشورهای همسایه خود این بحران‌ها را پشت سر گذاشت. رشد تولید ناخالص داخلی به آرامی کاهش یافت و به سرعت به اندازه‌های تجربه شده پیش از بحران‌ها برگشت. نمودار ۱ به مقایسه نرخ‌های رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب آسیای شرقی از سال ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۰۸ می‌پردازد (World Bank, 2011)، که برآوردهای اخیر صندوق بین‌المللی پول و پیش‌بینی‌های رشد مورد انتظار تا سال ۲۰۱۱ (IMF, 2010b) به منظور تشریح بهبود موثر مورد انتظار در این منطقه می‌باشد را در برمی‌گیرد. این نمودار نشان می‌دهد که نرخ رشد ویتنام به طور میانگین به استثنای چین از دیگر کشورهای منطقه بیشتر بوده است اما در پی هر یک از دو بحران جهانی تا حدی رشد کمتری داشته است.

پس از اصلاحات، رشد اقتصادی ویتنام با اصلاحات آزاد سازی تجارت همراه شد که این امر منجر به شکوفایی ناگهانی در تجارت بین‌الملل گردید. صادرات به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی از ۲۶.۴ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۷۷.۹ درصد در سال ۲۰۰۸ رشد یافت در حالی که واردات در همان دوره از ۳۵.۷ درصد به ۹۳.۱ درصد افزایش پیدا کرد (IMF, 2011). این شواهد، بسیاری را به این بحث واداشت که ویتنام یک نمونه عالی از رشد صادرات محور است (Abbott et al., 2009). با این

حال یکی از مشخصه‌های اصلی رکود بزرگ و بحران مالی سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹ افت بی‌سابقه تجارت جهانی به ویژه تجارت کوتاه مدت در سه ماهه پایانی سال ۲۰۰۸ و سه ماه نخست سال ۲۰۰۹ بوده است. طبق اطلاعات تجاری کوتاه مدت که توسط صندوق بین‌المللی پول ارائه گردید صادرات جهانی بیش از ۶۰ درصد در اوایل سال ۲۰۰۹ تنزل یافت و گزارش سازمان جهانی تجارت حاکی از آن است که حجم سالانه صادرات جهانی در سال ۲۰۰۹، ۱۲ درصد کاهش یافته است و این در حالی است که ارزش آن با کاهش ۲۳ درصدی روبرو بوده است (WTO, 2010). تنزل‌ها در کشورهای در حال توسعه بیشتر اعلام شدند، اما این تنزل ارزش‌ها برای کشورهای آسیایی تا حدود ۱۸ درصد بودند. به علاوه، ویتنام یک کشور صادرکننده کالای اساسی است به طوری که نفت خام و برنج از جمله صادرات مهم این کشور به شمار می‌رود. یکی از عوامل موثر در کاهش تجارت، پایان دوران رونق کالاهای اساسی در نتیجه رکود بزرگ و بحران مالی در جولای سال ۲۰۰۸ بود. در ویتنام ارزش صادرات در سال ۲۰۰۹ از حداکثر سطح موجود در سال ۲۰۰۸ به ۷.۷ درصد کاهش پیدا کرد و واردات حتی بیش از این مقدار کاسته شد، حدود ۱۱ درصد. بنابراین کسری حساب جاری کاهش یافت (GSO, 2011) و طبق آخرین برآورد صورت گرفته تجارت به شکل مثبتی به رشد اقتصادی کمک کرده است.

بیش از دو دهه گذشته، ویتنام با وقایع بین‌المللی فراتر از دو بحران اخیر جهانی شدن به سختی راه خود را هموار کرده است. الحاق به سازمان جهانی تجارت منجر به توسعه سریع هم در تجارت و هم در جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی گردید و رشد اقتصادی به حداکثر میزان اخیر خود یعنی ۸.۵ درصد در سال ۲۰۰۷ رسید (GSO, 2011). انعقاد یک موافقتنامه تجاری با اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۲ باعث تجارت و رشد گردید، حال آنکه انعقاد قراردادهای متعددی پس از سال ۲۰۰۰ از جمله یک موافقتنامه دو جانبه با ایالات متحده آمریکا به سرعت موجب رشد و تجارت شد. در هر یک از بحران‌ها، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ویتنام برای یک مدت دچار تنش شد و پس از هر بحران با افت روبرو شد. ابوت و

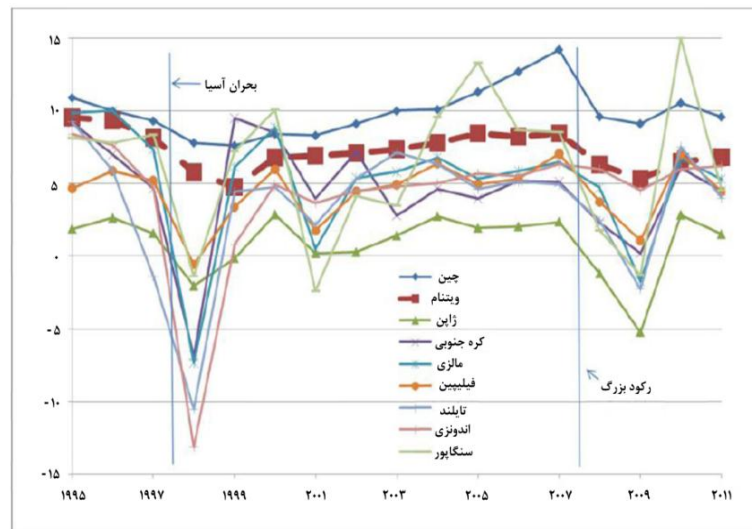
همکاران(2010)، راجع به دسترسی سرمایه گذاران خارجی به بحث و بررسی پرداختند که این امر نسبت به کاهش تعرفه‌ها موضوع حساس‌تری به شمار می‌رفت و دسترسی به بازار برای تجارت در مذاکرات سازمان جهانی تجارت موجب الحاق به این سازمان در سال ۲۰۰۷ شد (Nga,2007) و تأثیرات متعاقب بر اقتصاد ویتنام به همان اندازه یا بیشتر تحت تأثیر سرمایه گذاری‌های خارجی رو به رشد بوده است تا ناشی از تجارت فزاینده.

در حالی که ممکن است بحران اخیر منجر به کاهش تجارت شده باشد، رکودهای طولانی مدت‌تر در سرمایه گذاری خارجی در نتیجه هر دو بحران بوده است. با ورود به بحران اخیر، ویتنام در سال ۲۰۰۰ تقریباً در ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی و در سال ۲۰۰۷ بالغ بر ۴۳ درصد از تولید ناخالص داخلی سرمایه گذاری کرد. دولت براساس هزینه‌های سرمایه‌ای خود یا از طریق بنگاه‌های تحت مالکیت خویش تقریباً بر روی ۶۰ درصد از سرمایه گذاری سال ۲۰۰۰ و بیش از ۳۳ درصد از سرمایه گذاری سال ۲۰۰۷ حساب باز کرد. و این محاسبات علی‌رغم رشد سریع سرمایه گذاری خصوصی داخلی و سرمایه گذاری خارجی صورت گرفت (GSO,2011). پس از هر بحران، سهم دولت از سرمایه گذاری مجدداً تا حد کمی افزایش یافت. حداقل در ویتنام، تجارت و سرمایه گذاری خارجی، قوی‌ترین پیوستگی‌ها را با اقتصاد جهانی دارند.

مسئله مهمی که در بحران‌های جهانی شدن مطرح گردید افزایش وابستگی به سرمایه گذاری خارجی بود که در نتیجه آن منابع مالی در طول این بحران‌ها و پس از آن کاهش یافتند. هر بار دولت ویتنام به منظور حفظ نرخ رشد اقتصادی، بطور فعال هم در اقتصاد کلان و هم سرمایه گذاری شرکت داشته است. همچنین اهمیت نوظهور سرمایه گذاری خصوصی داخلی محرکی اقتصادی تلقی می‌گردد (IMF,2010a) و پیشرفت‌های حاصله پس از بحران‌ها، بازتابی از بهبود شرایط اقتصاد داخلی است. در حالی که هم تجارت و هم سرمایه گذاری مستقیم خارجی

متاثر از وقایع خارجی بودند واکنش ویتنامی‌ها، تاثیر آنها را روی اقتصاد داخلی، به ویژه در رشد، بیکاری و کاهش فقر به حداقل رساند (Abbott and Tarp, 2011:5-7)

نمودار (۱). نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای منتخب آسیای شرقی، ۱۹۹۵-۲۰۱۱



Sources: World Bank World Development Indicators (2011); IMF World Economic Outlook Database (2010b) for projections beyond 2008.

۵-۲-۵. چشم اندازهای بلندمدت‌تر تجارت و توسعه

همزمان با آغاز اصلاحات در سال ۱۹۸۶ انتقال به یک اقتصاد بازارگرای سوسیالیست محور بازر در ویتنام آغاز شد که تاکید اولیه آن بر صدور مجوز به بنگاه‌های با مالکیت خصوصی جهت مشارکت در اقتصاد اما با مدیریت مستمر دولتی بود. بعدها، اقدامات سیاسی تعامل بیشتر با تجارت و امور مالی بین‌المللی و اتکا بر آنها را تقویت کرد که نهایتاً در سال ۲۰۰۷ منجر به الحاق به سازمان جهانی تجارت شد. جدول یک ارائه دهنده یک خط زمانی است که رویدادهایی را که به آزادی بیشتر اقتصاد ویتنام انجامیدند و نیز وقایع بین‌المللی که در طول این مسیر بدان آسیب رساندند را به اختصار نشان می‌دهد. پس از اصلاحات دوی موی، تنظیم خط مشی تجاری تا حدودی به تاخیر افتاد و فقط در سال ۱۹۸۹ توجه جدی به اصلاحات

تجاری بازار گرا آغاز شد (Thanh, 2005: 75-91). نرخ ارزی یکسانی اتخاذ شد و انحصار دولت در تجارت خارجی حذف شد. پس از این اصلاحات و توافقات بعدی با اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۲ تجارت رونق یافت. در سال ۱۹۹۵ ویتنام به آسه آن پیوست و مذاکرات جهت الحاق به سازمان جهانی تجارت را آغاز نمود. همچنین در سال ۱۹۹۸ به اپک پیوست و بالغ بر ۵۷ قرارداد تجاری دو جانبه و ۷۲ قرارداد کامله الوداد را تا سال ۲۰۰۰ تکمیل کرد (Niimi et al, 2007:819-51).

یکی از قراردادهای دو جانبه مهم در سال ۲۰۰۰ با ایالات متحده آمریکا منعقد گردید و در سال ۲۰۰۲ به مرحله اجرا درآمد تا آمریکا از یک شریک تجاری کوچک به بزرگترین شریک تجاری ویتنام در زمان الحاق به سازمان جهانی تجارت تبدیل شود. تقریباً در همان زمان قراردادهای تجاری جدیدی با اتحادیه اروپا، چین و ژاپن منعقد گردید. بعدها ویتنام پیش از ورود به سازمان جهانی تجارت در سال ۲۰۰۷ با ۲۰ شریک تجاری به توافقات الحاق دست یافت (Abbott et al, 2008).

جدیدیت در انعقاد قراردادهای تجاری نه تنها فرصت‌های صادراتی به ارمغان آورد بلکه موجب دسترسی بیشتر خارجیان به اقتصاد داخلی ویتنام از طریق واردات و سرمایه گذاری خارجی گردید. این شروع چشمگیر اقتصاد ویتنامی به رشد سریع تولید ناخالص داخلی و رونق تجارت از اوایل دهه ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۸ کمک کرد. از سال ۱۹۹۲ تا سال ۱۹۹۶ رشد اقتصادی به طور میانگین در سال به ۸.۸ درصد رسید، سپس در طول بحران مالی آسیا (۹۸-۱۹۹۷) در ۵/۸ درصد متوقف شد و مجدداً بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ به ۷/۶ درصد افزایش یافت. رشد سریع همراه با افزایش فوق العاده تجارت (واردات به علاوه صادرات) به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی از میزان ۲۳ درصد در سال ۱۹۸۶ به ۶۷ درصد تا پیش از سال ۱۹۹۱، ۹۷ درصد در سال ۱۹۹۸ و ۱۷۱ درصد در سال ۲۰۰۷ بوده است. از آنجا که واردات همواره بیش از صادرات بوده است ویتنام در طول این دوره با یک کسری تجاری مواجه شد. در سال ۱۹۹۲ میزان صادرات برابر با ۳۴/۷ درصد از تولید ناخالص داخلی شد در حالی که واردات ۳۸/۸ بود. در سال ۲۰۰۶ واردات ۷۸/۲

درصد و صادرات ۷۳/۶ درصد تولید ناخالص داخلی بود. هنگامی که تجارت در سال ۲۰۰۸ بعنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی به اوج رسید، واردات ۹۳/۱ درصد از تولید ناخالص داخلی و صادرات ۷۷/۹ درصد بود. کسری‌های تجاری توسط مازاد حساب سرمایه بویژه سرمایه گذاری مستقیم خارجی تامین مالی شد. سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سال ۱۹۸۶ از یک سطح ناچیز به ۷/۷ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۳ رشد کرد. در سال ۱۹۹۸ در مقدار ۶/۱ درصد به حالت رکود در آمد و پس از آن، یعنی پیش از شروع دوره بهبود بعد از سال ۲۰۰۴ و به اوج رسیدن آن با الحاق به سازمان جهانی تجارت در سال ۲۰۰۷، به کمتر از ۴ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۲ سقوط کرد (Abbott and Tarp, 2011:7-8).

تغییرات در تجارت، رشد و سرمایه گذاری خارجی در ویتنام نه تنها به واسطه بحران‌های جهانی شدن بلکه همچنین به خاطر محیط سیاسی در حال تکامل شامل توافقنامه‌های تجاری و الحاق به سازمان جهانی تجارت تحت تاثیر قرار گرفت. به علاوه، وقایع رخ داده در بازارهای بین المللی به صادرات عمده ویتنام (به طور مثال کالاهایی مانند نفت خام و برنج و کالاهای کارخانه‌ای کاربر) اهمیت دادند. تغییرات در سال ۲۰۰۷ مانند الحاق ویتنام به سازمان جهانی تجارت و رونق کالاهای اساسی بطور برابر چشمگیر بود. به علاوه شروع رکود اقتصادی در دسامبر ۲۰۰۷ در آمریکا بعدها به اقتصادهای دیگر نیز سرایت کرد و در سپتامبر ۲۰۰۸ اوضاع وخیم‌تر شد. (اگر تاریخ شروع بحران مالی بین المللی را ورشکستگی برادران لمن در نظر بگیریم). ویتنام از رونق کالا سود برد و در طول نیمه نخست سال ۲۰۰۸ قیمت‌های برنج و نفت خام را افزایش داد اما بعنوان راهکاری جهت فرونشاندن تورم داخلی صادرات برنج را برای مدتی ممنوع ساخت. بنابراین سال ۲۰۰۸ هم دوره‌ای از افزایش تورم، رشد و صادرات و هم یک دوره بعدی از رکود و تجارت در حال افول را شامل می‌شود. در بازارهای جهانی، تجارت در ۳ ماهه‌ی پایانی سال ۲۰۰۸ و سه ماهه نخست سال ۲۰۰۹ سقوط کرد و ویتنام شاهد تاثیر این رکود بر بازارهایش بود. اگر چه این تاثیرات بر دیگر کشورهای در حال توسعه نسبتاً کمتر بود. آمار

سالانه تا حدودی تاثیرات کوتاه مدت را نشان نمی دهد اما روند کند نرخ های رشد تجارت و تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۸ و کاهش واردات و صادرات در سال ۲۰۰۹ را نشان می دهد. دوره طولانی تر رشد پایا می تواند شاخصی از سرمایه گذاری رو به افزایش بعنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی باشد. در سال ۱۹۹۵ سرمایه گذاری ۱۵ درصد از تولید ناخالص داخلی بود و در سال ۱۹۹۸ سهم آن به ۲۹ درصد رسید. پس از یک رکود جزئی مجدداً سرمایه گذاری در سال ۲۰۰۷ به ۴۳ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش یافت و سپس در سال ۲۰۰۹ به ۳۸ درصد تنزل یافت. در حالی که این نرخ های بالای سرمایه گذاری به رشد سریع اقتصادی کمک کرد، ناظران بین المللی (e.g. IMF 2010a, Riedel 2009) و ویتنامی (e.g. Doanh 2009, MOLISA 2009). برای اینکه نسبت افزایشی سرمایه به بازده بسیار بالا به نظر می رسد و آن رشد مبتنی بر انباشت سرمایه است تا بر نوآوری فنی ابراز نگرانی کردند. کاهش سرمایه گذاری حول دو بحران جهانی شدن کمتر است از هر یک از دو بخش صادرات و واردات و بیشتر در راستای تغییرات جزئی در نرخ های رشد تولید ناخالص داخلی مشاهده شده بود. اما آغاز الحاق به سازمان جهانی تجارت با افزایش سرمایه گذاری همراه بوده است که بطور کامل در بحران مالی بعدی تداوم نداشته است. همچنان که در اوایل بحران آسیا، کاهش سرمایه گذاری خارجی با سرمایه گذاری داخلی بیشتر جایگزین شد. راهکارهای سیاسی جهت مقابله با جریان رکود بر رشد پایدار تاکید می کند (Abbott and Tarp, 2011: 8)

جدول (۲). خط زمانی تجارت و توسعه از زمان اصلاحات دوی موی در سال ۱۹۸۶

۱۹۸۶	شروع اصلاحات دوی موی
۱۹۸۹	اصلاحات تجاری بازار گرا، نرخ یکپارچه ارز، حذف انحصار تجارت خارجی دولت
۱۹۹۲	موافقتنامه تجاری با اتحادیه اروپا
۱۹۹۵	تشکیل گروه کاری الحاق به سازمان جهانی تجارت، الحاق به آ-سه-ان
۱۹۹۷	آغاز بحران مالی آسیا در ماه دسامبر
۱۹۹۸	الحاق به آپک
۲۰۰۲	آغاز اجرای توافقنامه تجاری دو جانبه ایالات متحده امریکا - ویتنام
۲۰۰۴-۲۰۰۵	قوانین جدید در تجارت و بازرگانی
۲۰۰۷	الحاق به سازمان جهانی تجارت
۲۰۰۸	پایان دوران رونق قیمت کالاها در ماه جولای، رکود بزرگ و بحران مالی
۲۰۰۹	فروپاشی تجارت جهانی

Sources: Vietnam specific events adapted from Abbott et al. (2009) and Thanh (2005)

۶. افق آینده استراتژی توسعه اقتصادی ویتنام

ویتنام کوشید تا در پایان دهه اول قرن ۲۰۰۰ به کشوری با سطح درآمد متوسط تبدیل گردد (Vietnam Development Report, 2007: 1). تجارب چین و دیگر کشورهای آسیای شرقی حاکی از آن است که میزان رشد نجومی می‌تواند بیش از یک دهه و نیم نخست ادامه یابد. با این حال چنانکه یک تحقیق در برنامه ویتنام دانشگاه هاروارد (Harvard Vietnam Program, 2008, Especially Ch.3) هشدار می‌دهد، بیشتر از چنین دوره طولانی رشد کشورهای آسیای جنوب شرقی مانند کشورهای آسیای شرقی پایدار نبوده است.

ارکان اقتصاد سیاسی ویتنامی همانند کشورهای آسیای جنوب شرقی شامل اتخاذ برخی از تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دولتی جهت منافع اختصاصی می‌باشد. قابل ذکر است که در ویتنام تنش‌های درون قومی رایج در بسیاری از کشورهای آسیای جنوب شرقی وجود ندارد. جهش رشد اولیه ویتنام بوسیله تمرکززدایی و تجاری سازی کشاورزی و آزادسازی جزئی تجارت خصوصی داخلی به اوج خود رسید. این تغییرات سازمانی قطعی هستند و ادامه روند رو به افزایش درآمد ایجاد شده توسط آنها آسان نمی‌باشد، در ویتنام بهره‌وری کشاورزی بیشتر از طریق ارقام پربازده و تولیدات جدید در حال بهبود است و نقش سازمان‌های دولتی در جهت تسهیل سازی این پیشرفت‌ها ادامه دارد (Van Arkadie and Mallon, 2003:190-8). هنگامی که کشوری به عنوان یک صادرکننده جدید ساخت تولیدات کاربر مطرح شود و سپس الگوهای خریداران منابع جهانی تثبیت شوند، رشد انفجاری ممکن است در سطح خوبی پایدار شود. همان گونه که در اوایل دهه ۱۹۹۰ در اندونزی با امواج پی در پی صادرات لوازم الکترونیکی، کفش و پوشاک رخ داد. افزایش ارزش افزوده داخلی در صادرات تولید پوشاک با توسعه بیشتر صنعت نساجی داخلی، که خط‌مشی کنونی است مشکل ساز است و به دانش توسعه محصول و بازار نیازمند است که بسیاری از شرکت‌های محلی در حال حاضر فاقد آن می‌باشند. اگرچه بکارگیری سرمایه گذاری خارجی در بخش منسوجات می‌تواند کمک کننده باشد (Goto, 2007).

همچنین تنوع بخشیدن به صادرات کالاهای با فن‌آوری بالا نیازمند یک مرکز صنعتی رقابتی بین‌المللی و متنوع‌تری از آنچه که ویتنام در حال حاضر دارای آن است می‌باشد. اگرچه فقر در حال کاهش می‌باشد اما نابرابری درآمدی رو به افزایش است و به نظر می‌رسد این روند ادامه دارد.

یک روش کاهش فقر، مهاجرت از مناطق فقیرتر به مناطق ثروتمندتر است، با وجود آنکه الزاماً این افراد فقیر نیستند که مهاجرت می‌کنند. مهاجران ثبت نشده در بین اقشار ضعیف جامعه شهری وجود دارند (Thoburn, 2007a: 234)، جایی که قیمت فوق‌العاده بالای زمین، خرید یا اجاره مسکن را برای تازه واردان دشوار می‌سازد (Harvard Vietnam Program 2008: 54).

یک نشانه امیدوارکننده این است که هنگامی که سطوح بهره‌وری ویتنام به همسایگان آسیایی‌اش برسد، رشد بیشتر به واسطه بخش بنگاه‌های با مالکیت دولتی یا خصوصی در قسمت‌های قابل تجارت احتمالاً اشتغال‌زاتر از آنچه در دهه ۱۹۹۰ بوده است، خواهد شد. آنچه حداقل در کوتاه مدت نگران‌کننده شد، آن بود که در سال ۲۰۰۸ تورم در ویتنام بیش از کشورهای دیگر منطقه تسریع شد و در اوایل سال ۲۰۰۸، نشانه‌هایی از توسعه بحران‌های مالی احتمالی و اقتصاد کلان بوجود آمد (Pincus and Vu, 2008: 28-34). هر چند بعدها در سال ۲۰۰۸ به نظر رسید که احتمال بحران‌های مالی کاهش یافته است (Credit Suisse, 2008). مالکیت‌های اخیر ویتنام و رونق بورس اوراق بهادار برخلاف آنچه که در سال ۱۹۹۷ در تایلند رخ داد چندان وابسته به جریان‌های ورودی سرمایه کوتاه مدت نبوده است، بنابراین خروج سرمایه بیشتر احتمال کمتری خواهد داشت (Thoburn, 2009: 13-14).

۷. درس‌هایی از ویتنام برای کشورهای دیگر

۱. اگر خریداران جهانی یک کشور را منبع عمده قرار دهند و تاجران کلیدی خود را جهت استقرار در آنجا متقاعد کنند، صادرات کالاهای یک کشور می‌تواند خیلی سریع توسعه یابد. خریداران و سرمایه‌گذاران داخلی توسط هم در دسترس بودن بازار صادرات و هم شرایط سرمایه‌گذاری داخلی، شدیداً تحت تاثیر قرار می‌گیرند.

برداشت‌ها از شرایط سرمایه‌گذاری بیشتر به سیاست و ثبات سیاسی بستگی دارد تا به جزئیات رویه‌های بوروکراتیک.

۲. توسعه صادرات به آزادسازی واردات بستگی ندارد.

گرایش ضد صادرات مفهومی مبالغه شده است، اگرچه امکان دارد برخی شرکت‌های کوچک‌تر در بخش خصوصی را از صادرات باز دارد.

۳. جایگیری در مناطق سریع‌اً رو به رشد آسیا هنوز یک مزیت مهم است، که هم بازارهای مجاور و هم سرمایه‌گذاری داخلی را ارائه می‌دهد.

۴. اصلاحات موفقیت‌آمیز کشاورزی به ویژه اصلاحات ارضی هنوز هم یک کلید توسعه است. در کشورهایی با جمعیت عمدتاً روستایی نه تنها می‌توان آن را اساس افزایش درآمدها و تقاضای داخلی و کاهش فقر قرار داد بلکه همچنین می‌تواند پایه‌ای برای گسترش صادرات باشد. پس از جهش قطعی آغازین ناشی از اصلاحات ارضی از راه سرمایه‌گذاری در افزایش بهره‌وری و با در نظر گرفتن نقش فعال سازمان‌های دولتی ویتنام در حفظ رشد درآمد محصولات کشاورزی موفق شد.

۵. بنگاه‌های با مالکیت دولتی را می‌توان به منظور افزایش بهره‌وری آنها اصلاح کرد.

این مهم هم به مشوق‌ها و هم محیط خارجی آنها بستگی دارد. بهبود در بهره‌وری بنگاه‌های با مالکیت دولتی حداقل اکنون به رقابت بخش خصوصی داخلی بستگی ندارد. اگر خصوصی‌سازی نابهنگام صورت گیرد نتایج کمی در پی خواهد داشت.

۶. توسعه آموزشی مهم است. تحصیلات نزدیک به سطح جهانی و آموزش بالاتر و فنی‌تر به جذب سرمایه‌گذاران خارجی و تسهیل‌سازی توسعه فن‌آوری و صنعتی کمک خواهد کرد.

۷. مدل‌های آسیای شرقی هنوز مطالب زیادی برای آموختن به ما دارند. یک نقش بارز برای دولت به طور مثال در توسعه تولید برنج همراه با تمایل جهت به کارگیری سازوکار بازار، یک ترکیب قدرتمند باقی می‌ماند. هر چند طرح‌های اولیه برای اصلاحات اقتصادی نیازمند سازگاری و انطباق با شرایط ملی است اما اصلاحات انجام شده در ویتنام مشابه اصلاحات چین می‌باشد.

۸. حمایت کنندگان می‌توانند مدیریت شوند.

آنها همراه بودن با موفقیت را دوست دارند، در ویتنام به این امر اذعان دارند که نمی‌توانند سیاست‌ها را بخرند. این کشور قادر بوده است که مالکیت ملی قدرتمندانه استراتژی توسعه خود را حفظ کند (Thoburn, 2009:14-15).

نتیجه‌گیری

ویتنام با قدم نهادن در مسیر جهانی شدن از راه اصلاحات اقتصادی، خصوصی سازی، همگرایی با کشورهای منطقه و جهان همین طور با رهبری دولت کمونیستی و با حزبی منفرد، به رشد و توسعه قابل توجهی در سال‌های اخیر دست یافته است. این کشور پس از سال‌ها تجربه دریافت که نمی‌توان اقتصاد سوسیالیستی را متضمن رشد و توسعه بالا در جهان رو به پیشرفت کنونی دانست و گرایش به اقتصاد باز و آزاد را کلید قفل‌های بسته‌ای دید که سال‌ها درهای اقتصادی این کشور را به سوی دنیای پیشرفته و آزاد بسته نگاه داشته بود. امروزه دولت کمونیستی در این کشور، در ابعاد فرهنگی - اجتماعی و سیاسی از اندیشه سوسیالیسم بهره می‌جوید و در بخش اقتصادی، ابعاد مختلف اقتصاد لیبرالیسم را مورد استفاده قرار می‌دهد. به عبارتی نتایج فرایند اصلاح اقتصادی و هم‌زمان گشایش به روی اقتصاد جهانی، آشکارا ویتنام را از اکثر کشورهای اروپای شرقی متمایز ساخت؛ مهم اینست که این مسئله موجب تحکیم یا دلیل تایید غلبه و تسلط نگرش نولیبرال نیست؛ رشد سریع اقتصاد مستلزم تعویض برنامه ریزی دولتی، خصوصی سازی و برتری تولید از طریق نزدیکی و شباهت به ساختارهای غربی بازار است، البته نباید فراموش کرد تغییراتی که در ویتنام محقق شد توسط حزبی کمونیست انجام گرفت حزبی که تا پیش از آن، تحقق چنین تغییراتی را در تعارض با شعارهای پیشین خود می‌دید. حزب کمونیست این کشور قدرت خود را در خلال اصلاحات دهه ۱۹۸۰، نه تنها از دست نداد بلکه اصلاحات کمک کرد که این حزب کنترل باقی مانده را از خطر نابودی نجات داد، آن را حفظ کند. به طوری که امروزه این حزب ادعا می‌کند برنامه ریزی



خردمندان‌های درفعالیت‌های گذشته خود داشته و عقیده دارد سیاست‌های کنونی سبب همگرایی واقعی بازار و افزایش رشد این کشور شده‌اند. دولتمردان چشم انداز اقتصادی بسیار مثبتی را پیش بینی کرده‌اند و اظهار می‌دارند، همه تلاش‌ها برای افزایش رفاه ملی بوده است. بنابراین وضعیت اقتصادی این کشور نسبت به قبل بهبود یافته و در نتیجه، قدرت حزب کمونیستی در حاکمیت تقویت می‌شود. اکنون می‌توان به این امر اذعان کرد که این کشور دارای یک محیط با ثبات سیاسی، اجتماعی و برخوردار از فرصت‌های گسترده برای رشد بیشتر اقتصادی است به طوری که ویتنام در کنار کشورهای هند و برزیل بعنوان بازار نوظهوری شناخته می‌شود که سرمایه‌گذاران خارجی برای بدست گرفتن بخشی از بازار این کشورها با هم رقابت می‌کنند. از نظر حقوقی نیز در سال‌های اخیر به میزان قابل توجهی در انطباق با شیوه‌های بین‌المللی بهبود یافته است. در حال حاضر مهم‌ترین مولفه‌های سیاست اقتصادی دولت جذب سرمایه‌گذاری خارجی خصوصاً در زمینه تولید و صادرات کالا و احداث هتل و تأسیسات گردشگری و جلب گردشگر، تأمین سرمایه لازم برای نوسازی زیرساخت‌های کشور از طریق بسیج منابع داخلی و دریافت وام و کمک خارجی و درگیر نمودن بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در اقتصاد کشور، ایجاد انگیزه تولید بیشتر در بین کشاورزان از طریق اعطای مالکیت زمین و بهسازی کشاورزی، توجه ویژه به صادرات محصولات کشاورزی و شیلات و کالاهای تولیدی داخلی، نوسازی راه‌ها، بنادر و فرودگاه‌ها، توسعه مخابرات، نوسازی نیروگاه‌های فرسوده و احداث نیروگاه‌ها و سدهای جدید، برنامه ریزی گسترده و ایجاد تسهیلات برای جذب گردشگران خارجی، کاهش هزینه‌های دفاعی و بکار گرفتن ارتش در فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی، تعدیل نیرو و کاهش کارکنان مازاد بر نیاز دولتی، تعطیلی و یا اصلاح ساختار بنگاه‌های دولتی زیانده، جذب سرمایه‌گذاری در بخش انرژی و استخراج و صادرات نفت و گاز، صدور نیروی کار به کشورهای خارجی، جذب سرمایه ویتنامی‌های مقیم خارج از کشور و ایجاد زمینه برای بکارگیری این سرمایه‌ها در بخش‌های برخوردار از اولویت اقتصادی می‌باشند.

در یک نتیجه گیری کلی با توجه به مباحث مطروحه، جهانی شدن تاثیر مثبتی بر توسعه اقتصادی ویتنام داشته چرا که سال‌ها جنگ و آشوب شرایط حادی را بر این کشور حاکم کرد اما ویتنام نمی‌توانست خود را در گذشته‌اش اسیر کرده و سرنوشت میلیون‌ها ویتنامی را با کینه دیرینه به دولت‌های مهاجم گره بزند. سرانجام مسئولیت پذیری و دوراندیشی رهبران ویتنام افق‌های تازه‌ای پیش روی این کشور گشود؛ حرکت به سمت جهانی شدن با آگاهی از فرصت‌ها و تهدیدهای آن در اولویت قرار گرفت. این تحولات هر چند در کوتاه مدت برای برخی از بخش‌های اقتصادی این کشور که از قدرت رقابت کمتری برخوردار بودند مخاطراتی ایجاد کرد اما در بلندمدت، فرصت‌های زیادی فراروی اقتصاد این کشور قرار می‌دهد. البته منتقدان جهانی شدن در این کشور ادعا می‌کنند جهانی شدن رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد، اما به افزایش نابرابری می‌انجامد. به علاوه معتقدند که جهانی شدن به افزایش دستمزد پرداختی به کودکان منجر می‌شود و در نتیجه، نیروی کار زیر سن قانونی را افزایش می‌دهد. البته شواهد و مطالعات تجربی غیر از این را حکایت می‌کند؛ یعنی شواهد محکمی وجود دارد مبنی بر این که کشورهای در حال رشد در فرایند جهانی شدن، در واقع خط فقر را کاهش داده‌اند. یافته‌های پیمایش‌های خانوار نشان می‌دهند که در کشورهای در حال توسعه، کار کودکان به موازات افزایش درآمد خانوار به شدت کاهش می‌یابد. براساس یافته پیمایش سال ۱۹۹۳ در ویتنام میزان کار کودکان در سنین ۶ تا ۱۵ سال ارتباط نزدیکی با درآمد خانوار داشت و بخش مهمی از این کار در مزرعه خانوادگی انجام می‌شد. اما میزان کار کودکان برای همان خانوار در سال ۱۹۹۸، تغییر و کاهش یافته است. در دوره‌ای که ویتنام اقتصاد خود را به روی اقتصاد جهانی باز گشود، کاهش شدیدی در تعداد کودکان کار به وقوع پیوست. این تغییر را به طور کامل می‌توان با افزایش درآمد خانوار توجیه کرد چون قیمت‌های رو به افزایش برنج داخلی در نتیجه همگرایی بازار، درآمد خانوار را افزایش می‌داد. بدین سان خانوارها این درآمد را جانشین درآمدی کردند که بنا بود توسط کودکان به دست آید در نتیجه استفاده از نیروی کار زیر سن قانونی کاهش و

به این ترتیب، نرخ‌های ثبت نام کودکان در مدارس افزایش یافت. این کشور با پرهیز از وعده و شعاردهی تمام تلاش خود را برای بازگرداندن آرامش و امنیت و رفع فقر از مردم آغاز کرده و نشان داد، کشوری که تا چند دهه پیش به عنوان نماد مقاومت در برابر تهاجم خارجی شناخته می‌شد، امروزه به گونه‌ای موفق اقتصادهای پیشتاز آسیا را دنبال نموده و توانسته است علی‌رغم مشکلات، نرخ‌های بالای رشد اقتصادی و پیشرفت‌های توسعه‌ای را بدون تغییر در رژیم سیاسی ثبت کند؛ بنابر استدلالی این امر نتیجه چهار عامل اصلی بود: ۱. تشویق رشد از سوی دولت حزبی ۲. ایجاد مشوق‌ها ۳. تشویق و حمایت از فعالیت‌های محلی ۴. آمادگی برای تقبل طرح‌های اقتصادی سودآور همراه با عوامل خارجی از جمله شرکت‌های تجاری فراملی غربی.

منابع

الف - فارسی

- بانک جهانی با همکاری انتشارات دانشگاه اکسفورد، (۱۳۸۷)، **جهانی شدن، رشد و فقر: پژوهشی در طراحی اقتصاد همبسته جهانی**، ترجمه صابر شببانی اصل، تهران: نشر نی.
- رحیمی بروجردی، علیرضا، (۱۳۸۹)، **جهانی سازی**، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات.
- ساعی، احمد، (۱۳۸۰)، **مسائل سیاسی - اقتصادی جهان سوم**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، سمت.
- سلیمی، حسین، (۱۳۹۲)، **نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- شیرزادی، رضا، (۱۳۸۶)، **نوسازی، توسعه، جهانی شدن**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، حق یاوران.
- کلارک، یان، (۱۳۸۲)، **جهانی شدن و نظریه روابط بین الملل**، ترجمه فرامرز تقی‌لو، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مرکز چاپ و انتشارات.

موسی زاده، رضا، (۱۳۹۲)، سازمان‌های بین‌المللی، تهران: نشر میزان.
وزارت امور خارجه، (۱۳۸۹)، ویتنام، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
هینز، جفری، (۱۳۹۰)، مطالعات توسعه، ترجمه رضا شیرزادی و جواد قبادی، تهران: انتشارات آگه.

صباغیان، علی، (۱۳۸۵)، کالبد شکافی فرایند الحاق ویتنام به سازمان جهانی تجارت، فصلنامه پژوهش‌های تجارت جهانی، شماره ۴ و ۵.

ب- انگلیسی

Abbott, P. and F. Tarp, (2011), **Globalization Crises, Trade, and Development in Vietnam**, United Nations university.

Abbott, P., J. Bentzen, and F. Tarp (2009). Trade and development: Lessons from Vietnam's past trade agreements, **world development**, 37(2).

Abbott, P., K. Boys, P. L. Huong, and F. Tarp, (2008). Trade and development in Vietnam: exploring investment linkages, presented at the symposium on globalization and the rural-urban divide initiated by the international agricultural trade research consortium (IATRC), **Seoul**, 29 June-1 July 2008.

Abbott, P., C. Wu, and F. Tarp (2010). Vietnamese trade and development: post WTO accession, **CIEM-Danida working paper, Hanoi**, January.

Credit Suisse (2008). Vietnam Market Strategy. 9 September. Available at: http://www.viet-studies.info/kinhte/creditsuisse_sept_08.pdf

Doanh, L. D. (2009). Analysis of the Impacts of the Global financial crisis on social and economic indicators in Vietnam, united nations development programme, Hanoi.

General statistical office of Vietnam (GSO) (2011). Statistical data, online database, Hanoi, http://www.gso.gov.vn/default_en.aspx?tabid=491.

Goto, K. (2007). The development strategy of the Vietnamese export-oriented garment industry: vertical integration or process and product upgrading?. *Asian profile*, 35 (6): December.

Harvard Vietnam program (2008). Choosing success: The lessons of east and southeast Asia and Vietnam's Future. Study based on paper by David dapice. Cambridge, MA: Harvard: available at:

www.innovations.harvard.edu/howdoc.html?id=98251.

IMF (2011). International financial statistics, online database, <http://www.imfstatistics.org/imf/>

IMF (2010a). Vietnam: staff report for the 2010 article IV consultation, IMF country report No. 10/281, Washington DC: IMF.

IMF (2010b). World economic outlook database, <http://www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2010/02/weodata/index.aspx>.



جهانی شدن و توسعه
اقتصادی در ویتنام

Ministry of Labour, invalids and social affairs (MOLISA) (2009). Vietnam labour and social trends 2009: In international integration context, November, Hanoi: MOLISA and ILO.

Michael E. Porter Harvard Business School, (November 30, 2010), Vietnam Competitiveness Report Launch, Hanoi, Vietnam.

Nga, N.Q. (2007). Viet Nam's accession to the WTO-Implications of the negotiation outcomes, consultant report for CIEM, mimeo, Hanoi, downloadable from <http://www.ciem.org.vn/home/en/home/InfoDetail.jsp?area=1&cat=348&ID=1425>.

Nguyen noi. (2012). Invest in Vietnam, foreign investment agency ministry of planning and investment of Vietnam. 11-12. <http://www.fia.mpi.gov.vn>

Niimi, Y., P. V. Dutta, and L.A. Winters (2007). Trade liberalization and poverty dynamics in Vietnam, **Journal of economic integration** 22(4): 819-51.

Pincus, J., and Vu ThanhTuAhn (2008). Vietnam feels the Heat. **Far eastern economic review**, 171 (4): 28-34.

Riedel, J. (2009). The global economic crisis and its long-run implications for Vietnam, United Nations development programme, mimeo, Hanoi, September.

Thanh, V.T. (2005). Vietnam's trade liberalization and international economic integration: evolution, problems and challenges, **ASEAN economic bulletin** 22(1): 75-91.

Thoburn, J. T. (2009). **Vietnam as a Role Model for Development**, United Nations University.

Thoburn, J. T. (2007a). Viet Nam. In A. chowdhury and I. Islam (eds), **handbook on the northeast and southeast Asian economies**. London: Elgar. Vietnam Investment Guide (2009), Ministry of Planning and Investment of Vietnam Foreign Investment Agency-FIA.

Van Arkadie, B., and R. Mallon (2003). **Viet Nam: A transition Tiger?** Canberra: Asia pacific press at the Australian national university.

VDR (various years). Vietnam development report. annual joint donor report to the annual end-year consultative group meeting.

World Bank (2006). **World development report 2005/2006**, New York: oxford university press.

World Bank (2011). World development indicators, online database, Washington DC: world bank.

World Bank. WDI (various years). World Development Indicators (and online statistical database). Washington. DC: World Bank.

WTO (2010). World trade developments in 2009, Geneva: WTO, http://www.wto.org/english/res_e/statis_e/its2010_e/its10_world_trade_e.htm.